

Presenting a model of transcendent Iranian-Islamic rule based on thoughts of Imam Khomeini and the Supreme Leader imam Khamenei

Aria shafaghat roudsari 1, mohamad saeed tabar zad 2

1- PhD student in Strategic Management, Strategic Islamic Republic of Iran navy, Rasht

2- Master of Strategic Management, Strategic Islamic Republic of Iran navy, Rasht

Corresponding author: FirstName LastName, author@email.ir

Copyright © 2019 The First National Congress of Governance. All rights reserved.

Abstract. In today's world, one of the most challenging and widely used words in public policy and development management is the word governance. Western societies formulate a model of good governance in accordance with their culture and norms and use it as a framework for achieving sustainable development in other societies. Prescribed. These models are designed and implemented in line with the imperialist goals and interests of the domination system due to their adherence to capitalist culture. Therefore, these patterns of development are not in line with the Iranian-Islamic culture of the Islamic Republic of Iran, and if implemented, due to the lack of luck of the people and interest groups, it can not move to strengthen the norms and laws of civil society. The religion of Islam pays special attention to the issue of governance and social relations of Muslims with each other and the government. Believing in the superiority of Islamic rule over good governance, the Supreme Leader states: "Islam pays attention to both the material and economic development and the spiritual and transcendent dimension of man, and considers each of them imperfect and inefficient without the other." Therefore, with the support of the teachings of Islam and the rich Iranian culture and the Ahl al-Bayt (AS) and the ideas of the two great leaders and thinkers of the Islamic Revolution, we can reach a transcendent model of Iranian-Islamic rule that is compatible with the culture of Iranian society. Active participation of individuals and institutions of society in government affairs. In this descriptive-analytical method and study of library documents, we describe and explain the components of transcendent Iranian-Islamic governance based on the ideas of the Imams of the Islamic Revolution.

Keywords: Governance, good governance, transcendent Iranian-Islamic governance, social capital, development management, Islamic government, public policy.

ارائه الگوی حکمرانی متعالی ایرانی-اسلامی بر اساس اندیشه‌های حضرت امام خمینی (ره) و مقام معظم رهبری (مدظله‌العالی)

آریا شفقت رودسری¹، محمد سعید تبرزد^{2*}

1- دانشجوی دکترای مدیریت راهبردی دانشگاه عالی دفاع ملی و عضو هیئت علمی دانشگاه دریایی امام خمینی (ره) نوشهر نیروی دریایی راهبردی ارتش جمهوری اسلامی ایران،

2- کارشناس ارشد مدیریت استراتژیک، نیروی دریایی راهبردی ارتش جمهوری اسلامی ایران، رشت

چکیده.

در جهان امروز یکی از چالش برانگیزترین و پرکاربردترین واژه‌ها در سیاست گذاری عمومی و مدیریت توسعه، واژه حکمرانی است. جوامع غربی مدل حکمرانی خوب متناسب با فرهنگ و هنجارهای خود را تدوین و آن را به عنوان چارچوبی برای رسیدن به توسعه پایدار به سایر جوامع تجویز نمودند. الگوهای مذکور به دلیل تبعیت از فرهنگ سرمایه داری در راستای اهداف و منافع امپریالیستی نظام سلطه طرح ریزی و اجرا می شود. لذا این الگوهای توسعه با فرهنگ ایرانی-اسلامی جمهوری اسلامی ایران سنخیتی ندارند و در صورت اجرا به دلیل عدم اقبال مردم و

گروه‌های ذینفع نمی‌تواند در جهت تقویت هنجارها و قوانین جامعه مدنی حرکت کنند. دین مبین اسلام توجه خاصی به مسئله حکمرانی و روابط اجتماعی مسلمانان با یکدیگر و حکومت دارد. مقام معظم رهبری با اعتقاد به برتری حکمرانی اسلامی بر حکمرانی خوب می‌فرماید: «اسلام، هم به توسعه مادی و اقتصادی توجه دارد و هم به بعد معنوی و متعالی انسان، و هریک را بدون دیگری ناقص و ناکارآمد می‌داند». بنابراین به پشتوانه آموزه‌های دین مبین اسلام، فرهنگ غنی ایرانی و اندیشه‌های دو رهبر و اندیشمند بزرگ انقلاب اسلامی می‌توان به الگوی متعالی از حکمرانی ایرانی-اسلامی رسید که با فرهنگ جامعه اسلامی ایران سازگاری داشته باشد و سبب مشارکت فعال افراد و نهادهای جامعه در امور حکومتی شود. در این پژوهش با روش توصیفی-تحلیلی و مطالعه اسناد کتابخانه‌ای به توصیف و تبیین مؤلفه‌های حکمرانی متعالی ایرانی-اسلامی بر اساس اندیشه‌های حضرت امام خمینی (ره) و مقام معظم رهبری (مدظله‌العالی) می‌پردازیم.

کلیدواژگان: حکمرانی، حکمرانی خوب، حکمرانی متعالی ایرانی-اسلامی، سرمایه‌های اجتماعی، مدیریت توسعه، حکومت اسلامی، سیاست‌گذاری عمومی.

۱- مقدمه

حاکمان جوامع بشری از دیرباز تاکنون به شیوه‌های گوناگون به اداره امور عمومی جوامع خود می‌پرداختند و درواقع عملاً شیوه‌ای از حکمرانی را در جامعه خود بکار می‌بردند، هر نوع حکومتی نیازمند به‌کارگیری شیوه‌ای از حکمرانی است، تا سکان هدایت جامع را بر عهده بگیرد و اهداف جمع را به سرمنزل مقصود رساند. لیکن بسط و گسترش واژه «حکمرانی خوب» در علوم مدیریت به دهه آخر قرن بیستم و هم‌زمان با گسترش پدیده جهانی‌شدن اقتصاد برمی‌گردد. در گزارشی که بانک جهانی در سال ۱۹۸۹ منتشر کرد به اثرات حاکمیت نامطلوب بر رشد و توسعه اقتصادی کشورهای در حال توسعه پرداخت در این گزارش دیوف و همکاران (۱۹۸۹) به معرفی واژه حکمرانی خوب پرداختند و برای دستیابی به آن اصولی را معرفی نمودند. به دنبال آن ادبیات حکمرانی در مدیریت توسعه گسترش یافت و محققین و دانشمندان به تبیین شاخص‌ها و نظریه‌های گوناگون در خصوص حکمرانی خوب پرداختند لیکن تمامی قریب به اتفاق این نظریات بر اساس معیارها و مبانی ارزشی فرهنگ غرب بنا گردیده‌اند و تأکید بر جنبه‌های مادی توسعه جوامع داشته و تعالی معنوی و روحی انسان‌ها را مدنظر قرار نمی‌دهند. بنابراین نمی‌توانند در کشوری همچون ایران با فرهنگ غنی ایرانی اسلامی چندان مفید و اثربخش واقع گردند. بنابراین می‌بایست با رجوع به فرهنگ غنی اسلام و بهره‌گیری از نظرات و سخنان دو اندیشمند و رهبر بزرگ جهان اسلام یعنی بنیان‌گذار نظام مقدس جمهوری اسلامی ایران حضرت امام خمینی (ره) و رهبر فرزانه انقلاب اسلامی حضرت امام خامنه‌ای (مدظله‌العالی)، اصول و شاخص‌هایی را برای واژه حکمرانی متعالی ایرانی-اسلامی احصاء نمود که با فرهنگ جامعه اسلامی ایران سازگار باشد و بتواند در هدایت جامعه اسلامی به‌سوی مدینه فاضله که مقصود حقیقی از اجتماع در آن، تعاون بر اموری است که موجب حصول به سعادت آدمی است مفید واقع گردد.

۲- پیشینه تحقیق:

الوانی (۱۳۸۶) در مقاله خود با عنوان «تحلیلی بر کیفیت حکمرانی خوب در ایران» هدف مقاله را شناخت شاخص‌هایی می‌داند که با استفاده از آن به تحلیل کیفیت حکمرانی خوب در ایران بپردازد. این تحقیق با رویکردی میان‌رشته‌ای از طریق روش کتابخانه‌ای و فیش‌برداری به جمع‌آوری اطلاعات پرداخته است. یافته‌های تحقیق بیانگر این است که هر یک از معیارهای حکمرانی خوب در قانون اساسی مورد تأکید بسیار بوده است و در عرصه عمل نیز شاهد بهبود شاخص‌های حکمرانی خوب پس از پیروزی انقلاب تاکنون هستیم. ناظمی اردکانی (۱۳۸۸) در مقاله خود با عنوان «حکمرانی خوب با رویکرد اسلامی» با استفاده از سخنان حضرت امام خامنه‌ای (مدظله‌العالی) و قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، هدف خود را ارائه الگویی از حکمرانی خوب با رویکردی اسلامی می‌داند. روش پژوهش از نوع کیفی و مطالعه اسنادی هست و از ابزار فیش‌برداری برای جمع‌آوری داده‌ها استفاده شده است. یافته‌ها نشان می‌دهد که نظام جمهوری اسلامی ایران که بر مبنای قانون اساسی شکل گرفته است می‌تواند قالب یک الگوی حکمرانی خوب به‌عنوان جایگزین به دنیا معرفی شود. پولاد رگ (۱۳۹۱) در مقاله «شناسایی و اولویت‌بندی شاخص‌های حکمرانی خوب» هدف مقاله را شناسایی شاخص‌های حکمرانی خوب را با استفاده از تکنیک تحلیل سلسله‌مراتبی می‌داند. روش تحقیق از نوع کمی و مطالعه میدانی است که از ابزار پرسشنامه جهت گردآوری داده‌ها استفاده شده است. نتیجه به‌دست‌آمده

نشان داد که شاخصه استقلال دستگاه قضایی در بین ۲۴ شاخص موردبررسی، بااهمیت‌ترین شاخص در دستیابی به حکمرانی خوب است. احمد میدری (۱۳۸۳) در مقاله خود با عنوان «مقدمه‌ای بر نظریه حکمرانی خوب» هدف را شناسایی زمینه‌های پیدایش و ارتباط نظریه حکمرانی خوب با نظریه‌های رقیب و توجیه‌های سیاسی آنان معرفی می‌کند. روش کار بر پایه منابع کتابخانه‌ای و با استفاده از روش اسنادی صورت گرفته است. یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد که افزایش بحران‌های مالی در کشورهای درحال توسعه، موجب رویگردانی از الگوی دولت و استقبال از الگوی حکمرانی خوب شده است این مقاله، به ارتباط نظریه حکمرانی خوب با نظریه‌های رقیب و توجیه‌های سیاسی آنان می‌پردازد. حسینی فرد (۱۳۹۱) در مقاله خود با عنوان «بررسی تطبیقی نظام حکمرانی کوروش کبیر با اصول حکمرانی خوب» به بررسی تطبیقی اصول حکمرانی خوب با حکومت‌داری کوروش در اصول مشارکت‌جویی، اجماع، شفافیت، قانون‌گرایی، اثربخشی و کارایی، عدالت‌جویی، پاسخگویی و مسئولیت‌پذیری پرداخت است. با توجه به شاخص‌های حکمرانی خوب با کمی تأمل پی خواهیم برد که کوروش در سالیان دور به صورت عملی به این شاخص‌ها توجه کرده است. محمدیان (۱۳۹۱) در مقاله خود با عنوان «شاخص‌های وحیانی حکمرانی خوب» هدف مقاله را با تکیه بر جامعیت دستورات الهی در قرآن، بررسی کارآمدی دین در عرصه اجتماع و پاسخگویی به نیازهای بشر و پرداختن به مفهوم حکمرانی و تبیین شاخص‌های آن در قرآن معرفی می‌کند. نتایج این پژوهش بیانگر دریافت شاخصه‌های وحیانی حکمرانی خوب از قرآن کریم می‌باشد که بدین شرح است: داشتن نگرش جامع، طرح و برنامه، اجرا، پیامد تصمیم، انسجام سازمانی، نیازسنجی، دوری از اسراف، اعتمادسازی، زبان‌شناسی، صداقت، توزیع امکانات، تبیین تهدیدها، تمرکز بر هدف، پاسخگویی، تکریم ارباب رجوع، شفاف‌سازی، دوری از تبعیض، ضابطه مداری، توجه به کارکنان، قاطعیت، روش‌های ابتکاری، ارائه الگو، توزیع مناسب منابع، جریمه، تشویق، تعریف وظایف، استقلال رأی، احترام، ارتقاء، نصیحت‌پذیری، قدرت و بصیرت، عمل‌گرایی، مساوات، ایجاد رقابت، مشورت، عطوفت. استنباط این موارد بیان‌کننده اعتماد نگارنده به وجود ثنوری حکمرانی در قرآن و امکان و ضرورت استنباط یک نظام جامع حکمرانی است و آن را نقش هدایتی قرآن می‌داند. مقاله سعی دارد تا شاخص‌های حکمرانی خوب را از آیات قرآنی بدون اتکا به شاخص‌های حکمرانی خوب مورد تأیید غرب استخراج کند. توانایی (۱۳۹۱) در مقاله «ارائه الگوی خوب شهری بر مبنای سیره و روش رسول اکرم (ص) و امام علی (ع)»، هدف مقاله را ضمن تبیین مفهوم «حکمرمایی خوب شهری» و ویژگی‌ها و معیارهای آن را؛ قانون‌گرایی، عدالت محوری، امانت‌داری، مسئولیت‌پذیری و مشورت‌پذیری در سیره و روش زندگی رسول اکرم و امام علی به مثابه الگوی کامل برای بشریت معرفی می‌کند. نتایج مقاله تبیین‌کننده ویژگی‌های حکمرمایی خوب در سیره رسول خدا (ص) مانند پاسخگویی، مسئولیت‌پذیری، ایجاد سازش، درک متقابل، اهتمام به امور مسلمین، توجه به حقوق دیگران، قانون مداری، جلب مشارکت حداکثری، مشورت‌پذیری است و همچنین در سیره امام علی (ع)، معیارهای حکمرمایی خوب را حق‌گرایی، عدالت محوری، مشورت‌پذیری، قانون مداری، رازداری، پاسخگویی و جلب رضایت‌مندی آنان معرفی می‌کند. مقاله بر آن است که ویژگی‌های حکمرانی خوب را در سیره و روش پیامبر اسلام و حضرت علی (ع) استخراج کند. شاخص‌های موردنظر با شاخص‌های نظریه حکمرانی خوب، حالت ترکیبی داشته و در بسیاری از موارد، به یکدیگر شبیه و یکی هستند ولی وجه تمایز آن با نظریه مذکور آن است که مؤلفه‌های استخراج‌شده دارای رویکرد اسلامی است.

۳- حکمرانی متعالی در مکتب اسلام

حکمرانی مفهوم بسیار گسترده‌ای دارد و نمی‌توان آن را جدا و مجزا از حوزه‌های اقتصادی، سیاسی و اجتماعی در نظر گرفت. بسیاری از شاخص‌ها و ویژگی‌های حکمرانی با اصول و مبانی دین ما علاوه بر اینکه در تضاد نیست بلکه هم‌راستایی نیز دارد و اگر مفهوم حکمرانی را با اصول، فرهنگ و ارزش‌های دینی و ملی خود تطبیق دهیم الگوی مناسبی از حکمرانی که متناسب جامعه اسلامی است به دست می‌آید (فرمانفرمایی، ۱۳۹۱، ۱۰۳). قرآن کریم بر ضرورت وجود حکومت برای تأمین هدایت بشر تأکید می‌کند و آیات زیادی در مورد مسائل و موضوعات اجتماعی در قرآن وجود دارد، رابطه فرد و جامعه، سنت‌های اجتماعی، رسالت جامعه، عوامل وحدت دهنده و عوامل نابودکننده جامعه و ارزش‌های اجتماعی از مباحث مهمی است که آیاتی از قرآن به آن پرداخته‌اند. علاوه بر قرآن تاریخ اسلامی دو دوره درخشان حکمرانی قوانین الهی را در کارنامه دارد. یکی در دوره پیغمبر اکرم صل‌ا... علیه و آله و دیگری در دوره امیرالمؤمنین علیه‌السلام. پیامبر(ص) با حضور در مدینه علاوه بر امور دینی بر امور دنیوی و اجتماعی مردم هم نظارت می‌کرد، نیروی نظامی تشکیل داد، مالیات جمع می‌کرد، اختلافات میان

مردم را حل و فصل می‌کرد و مهم‌تر از همه، در پرتو وحی «امت اسلامی» را شکل داد. امام خمینی ره می‌فرماید: حکومت رسول‌الله و حکومت امیرالمؤمنین حکومت قانون است؛ یعنی قانون خدا آن‌ها را تعیین کرده است. آن‌ها به حکم قانون واجب‌الاطاعة هستند. پس حکم از آن قانون خداست و قانون خدا حکومت می‌کند (موسوی خمینی، ۱۳۶۴، صحیفه نور، ج ۷، ص ۲۰۱). در تحقیقات پژوهشگران پیشین با بررسی‌های منابع اسلامی و تأمل در آیات و احادیث، مجموعه‌ای از شاخص‌های کلیدی مؤثر در اجرای حکمرانی مطلوب بر اساس قرآن و سنت پیامبر و سیره اهل‌بیت (ع)

در جوامع اسلامی استخراج شده که در زیر به آن اشاره می‌گردد. (بردبار و همکاران، ۱۳۹۲):

۱- خدامحوری: ویژگی اصلی حکومت اسلامی، خدامحوری است. شعار اولیه اسلام، که توسط پیامبر عظیم‌الشأن مطرح شد عبارت است از: "قولوا لا اله الا الله تفلحوا" (بگویند نیست خدایی جز خدای یگانه تا رستگار شوید). وقتی انسان یادآور مالکیت حقیقی خدا نسبت به همه چیز شود، هیچ مالکیتی برای او نمی‌ماند و همه مربوط به خداست و عملش سمت و سوی خدایی می‌یابد (بمانیان، ۱۳۸۶).

۲- صراحت و روشنی در اهداف: از جمله ویژگی‌های حکومت اسلامی که آن را از سایر حکومت‌های سیاسی متمایز می‌سازد، اهدافی است که بر اساس آن حکومت شکل می‌گیرد. هدف اصلی خداوند از آفرینش، دستیابی انسان به کمال نهایی خویش و مقام قرب الهی است، از این‌رو، هدف غایی و اصلی حکومت اسلامی نیز تعالی یافتن و دستیابی انسان‌ها به کمال نهایی است و سایر اهداف حکومت اسلامی، ابزار لازم را برای دستیابی به این هدف فراهم می‌سازد (جوادی آملی، ۱۳۸۷).

۳- مسئولیت‌پذیری و پاسخگویی: اصل مسئولیت‌پذیری انسان نوعی رفتار اخلاقی است که تعهدآور است؛ تعهدی که با اختیار و تصمیم آدمی منافات ندارد. مسئولیت‌پذیری کارگزاران و مدیران حکومت در برابر حقوق دیگران به معنای پاسخگویی در برابر وظایفی است که بر عهده دارند و به‌عنوان اخلاق حرفه‌ای و سازمانی باید به آن توجه جدی کنند. این نوع مسئولیت مبتنی است بر اینکه: "شما حق دارید و من تکلیف دارم" (ایزدی فرد و کاویار، ۱۳۸۹).

۴ - عدالت‌خواهی و عدالت‌گستری: در اسلام ظلم به دیگران مذموم است و همگان به رعایت حقوق هم و رفتار عادلانه موظف‌اند. امیرالمؤمنین (ع) می‌فرمایند: به خدا سوگند اگر هفت اقلیم را با آنچه زیر آسمان‌ها است به من دهند تا خدا را نافرمانی کنم در پوست جوی که ناروا از مورچه‌ای بگیرم، چنین نخواهم کرد (پور طهماسبی و تاجور، ۱۳۸۹). (حضرت علی (ع) در دستورالعمل‌های سیاسی خود به فرمانروایان، همواره بر رعایت انصاف و عدالت بین مردم تأکید می‌کردند؛ همان‌گونه که بخش‌هایی از عهدنامه مالک اشتر به این موضوع اختصاص یافته است: "مالک، انصاف و عدالت را بین خدا و مردم از یک‌سو و خود و نزدیکان از سوی دیگر، مراعات کن" (نهج‌البلاغه، نامه ۵۳).

۵- کنترل و نظارت بر عملکرد زیرمجموعه: کنترل و نظارت بر عملکرد زیرمجموعه از دیرباز یکی از اصول مدیریتی به شمار می‌رود که نبود یا کم‌رنگ بودن آن، مدیریت را دچار مشکل می‌کند. اصل کنترل و نظارت با نظام آفرینش هماهنگ است؛ چراکه آفریدگار حکیم، اصل کنترل و نظارت را در مجموعه آفرینش منظور کرده و درباره انسان فرموده است: "إِنَّ كُلَّ نَفْسٍ لَّمَّا عَلَيْهَا حَافِظٌ. فَلْيَنْظُرِ الْإِنْسَانُ مِمَّ خُلِقَ" (طارق/۵-۴). امام علی (ع) هم خود شخصاً بر امور جاری کشور پنهانور اسلامی نظارت داشتند و به کارگزاران و مدیران توصیه می‌کردند که بر کارها نظارت مستقیم کنند؛ چنانکه آن حضرت به مالک بن کعب ارحبی، طی حکمی مأموریت داد که با مأموران تحت امر خود، منطقه وسیعی را بازرسی کند (پور طهماسبی و تاجور، ۱۳۸۹).

۶ - کاهش فقر: امام علی (ع)، هم خودیار و مددکار نیازمندان و محرومان بودند و هم افرادی را با این ویژگی پرورش دادند؛ چنانکه خطاب به مالک می‌فرمایند: ای مالک درباره طبقه پایین مردم که چاره‌ای ندارند و در فقر و تنگدستی زندگی می‌کنند، خدا را فراموش نکن. آنچه را خداوند از حق خود درباره ایشان دستور داده است، رعایت کن و برای آنان قسمتی از بیت‌المال و سهمی از غنای مخلص اسلامی هر شهر را در نظر بگیر (نهج‌البلاغه، نامه ۵۳). (از این توصیه‌های علی (ع) به مالک درباره فقرزدایی از جامعه برمی‌آید که حمایت از مستمندان و نیازمندان به‌عنوان یک اصل در حکومت اسلامی مطرح است که برای تحقق آن باید تلاش کرد؛ زیرا فقر و کمبود اقتصادی، عامل بروز بسیاری از مشکلات از جمله فساد اخلاقی و ناامنی در جامعه است (ناظم بکایی، ۱۳۸۲).

۷- تأمین آزادی مشروع مردم: برخورداری انسان‌ها از آزادی در حوزه سیاست و اجتماع از دیگر ویژگی‌های حکومت علوی است. آن حضرت آزادی و آزادگی را ذاتی انسان می‌دانست و بر این دیدگاه بود که خداوند انسان را آزاد قرار داده است و اینکه انسان‌ها در زندگی خود آزادند و نباید آن‌ها را به چیزی مجبور ساخت. (نهج‌البلاغه، خ ۴۳۰/۲۰۸)

۸- ثبات سیاسی: بی‌ثباتی سیاسی در کشور، که عواملی چون هرج و مرج، اعتصاب، شورش‌های نظامی، کودتاها، جنایات خشونت‌آمیز و قومیت‌گرایی در ایجاد آن مؤثر است، می‌تواند ضمن جلوگیری از توسعه فرهنگی، اقتصادی، اجتماعی و سیاسی کشور، موجبات تأثیرگذاری آن بر کشورهای منطقه از طریق مهاجرت، ناامنی مرزها، قاچاق، تشدید اختلافات مرزی فراهم آورد و ثبات سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و در مجموع امنیت ملی کشور را به مخاطره اندازد (فراهانی، ۱۳۷۴). در صدر اسلام، اعراب برای کسب منابع و ثروت به جنگ و خونریزی می‌پرداختند و اختلاف قبیله‌ای و نژادی شایع بود. اسلام با نفی تمام تبعیض‌های نژادی، قومی، زبانی و... مسلمانان را برادر، و تفاوت افراد را در میزان تقوای آن‌ها می‌داند. از این رو پیامبر اکرم با برقراری حکومت اسلامی به مبارزه با این اختلاف‌ها پرداخت و ثبات سیاسی را برقرار ساخت (مبارک و آذر پیوند، ۱۳۸۹).

۹- اثربخشی و کارایی دولت: در این شاخص، کیفیت خدمات عمومی، خدمات شهروندی و میزان استقلال آن‌ها از فشارهای سیاسی مدنظر است. همچنین کیفیت تدوین و اجرای خط‌مشی‌های عمومی و دولتی، و میزان تعهدی که دولت در برابر این سیاست‌ها دارد در این شاخص در کانون ارزیابی قرار می‌گیرد. در نتیجه هرچه کیفیت خدمات عمومی و شهروندی بهتر باشد و خط‌مشی‌های عمومی به‌دوراز جنجال‌ها و خط‌وربط‌های سیاسی وضع و اجرا شود و تعهد نظام سیاسی در برابر آن‌ها بیشتر باشد، بیانگر وضعیت بهتری در حکمرانی خوب است (نادری، ۱۳۹۰).

۱۰- حاکمیت قانون در اسلام: یکی دیگر از وظایف دولت اسلامی، تأمین امنیت در سطح جامعه است. مفهوم امنیت، مصونیت از تعرض و تصرف اجباری بدون رضایت است و درباره افراد به این معنا است که هراس و بیمی درباره حقوق و آزادی‌های مشروع خود نداشته باشند. پیامبر اکرم (ص) در کنار وظایف خود به رفع اختلاف و دعوای مردم می‌پرداخت و میان آن‌ها قضاوت می‌کرد. همچنین حضرت علی (ع) در سال فتح مکه افرادی را به منظور اقامه حدود الهی به مناطق مختلف اعزام می‌کرد (ثواب، ۱۳۹۱).

۱۱- اهتمام به علم و پیشرفت علمی: جامعه اسلامی، دانش‌بنیان است و دانش و لوازمش، لازمه تحقق هدف غایی آفرینش انسان است (اخوان و همکاران، ۱۳۹۲). در تبیین اهمیت دانش از دیدگاه قرآن، آیاتی بیان می‌شود. آیات آغاز سوره علق نشان می‌دهد رسالت اسلام بر علم بنا شده، و منشأ دانش خداست. دانش باید حفظ شود و قلم و نوشتن، بهترین ابزار ثبت آن است (علق ۱-۵) دانش در کنار ایمان عامل پیشرفت تدریجی است (مجادله/ ۱۱). برای تبیین اهمیت علم و دانش از دیدگاه پیامبر اکرم (ص) می‌توان به این حدیث اشاره کرد که در زمینه عدم محدودیت مکانی و فرهنگی برای دانش است: "دانش را حتی اگر در چین باشد طلب کنید؛ چراکه طلب علم بر هر مسلمانی واجب است." ۱۲- مشارکت: میزان مشارکت مردم در کارهای جامعه یکی از کلیدی‌ترین پایه‌های حکمرانی خوب به‌شمار می‌رود. مشارکت می‌تواند به صورت مشارکت سیاسی - اجتماعی (آزادی بیان و دیدگاه‌ها و تدوین سیاست‌های عدم تمرکز) و مشارکت اقتصادی (وجود فضای امن رقابتی و ارائه تسهیلات مناسب برای بخش خصوصی) باشد (جاسبی و نفری، ۱۳۸۸).

۱۳- مبارزه با فساد: فساد به معنی استفاده از قدرت و امکانات عمومی در جهت منافع شخصی است. این شاخص، مفهوم‌هایی مانند فساد در میان مقامات رسمی، اثربخشی تدبیرهای ضد فساد، تأثیر آن بر جذب سرمایه‌های خارجی، پرداخت اضافی یا رشوه برای گرفتن مجوزهای اقتصادی و... را اندازه‌گیری می‌کند. در این تعریف هراندازه ویژگی‌های مثبت مانند حاکمیت قانون، پاسخگویی و اثربخشی دولت در جامعه بیشتر، و فساد، مقررات اضافی و بی‌ثباتی سیاسی و خشونت کمتر باشد، حکمرانی در آن جامعه برای رسیدن به توسعه مناسب‌تر است (نادری، ۱۳۹۰).

۱۴- شفافیت اطلاعاتی: در دین اسلام، صداقت حاکمان اهمیت بسیاری دارد. اگر حکمرانان رفتار فریبکارانه داشته باشند، دروغ و فریب و تزویر بر جامعه حکم‌فرما می‌شود. یکی از دلایل فساد سیاسی و نابسامانی‌های اجتماعی عدم شفافیت اطلاعاتی و نبود اطلاعات صحیح است. اطلاعات صحیح و درست مانع لغزش افراد جامعه می‌گردد. در جامعه‌ای که اطلاعات درست و شفاف جریان داشته باشد، سطح اعتماد افزایش می‌یابد و روابط اجتماعی سالم برقرار می‌گردد (امینی، ۱۳۸۷).

۱۵- شایسته‌سالاری: شایسته‌سالاری بهره‌گیری از انرژی خلاق افراد برگزیده است به‌طوری‌که در تمام اجزای آن، مناسب‌ترین افراد هرکدام در جای واقعی خود قرار گیرند. به عقیده امام علی (ع)، مسئله توان و شایستگی افراد جزئی از بحث عدالت است و اصل مهمی در اداره جوامع است. ایشان معتقد بود هر پستی به توان، خلاقیت، شایستگی و تخصص خاصی نیاز دارد و اگر رعایت نشود، جامعه مسیر رشد و کمال را نخواهد پیمود (نصر اصفهانی، ۱۳۸۹).

۱۶- دوام و پایداری: جامعه پایدار در پی بقا و بهبود ویژگی‌های اقتصادی و اجتماعی خود است تا اعضای آن بتوانند سالم، بهره‌ور و با لذت زندگی کنند. دوام و پایداری جامعه، موجب سازگاری بین دولت و ملت می‌شود و با توازن بخشی به قدرت دولت، موجب امنیت اقتصادی و اجتماعی و کاهش تنش در جامعه می‌گردد (طاهری و همکاران، ۱۳۹۲).

۴- حکمرانی متعالی ایرانی - اسلامی از منظر امام خمینی(ره)

اما آنچه امروز موجب تفاوت و امتیاز جمهوری اسلامی ایران از دیگر کشورهای جهان شده است، تلاش این نظام برای ارائه سبک جدیدی از زندگی، حکومت و حکمرانی بر مبنای آموزه‌های اسلام است. انقلاب اسلامی ایران تحت رهبری حضرت امام خمینی (ره) باهدف برپایی یک حکومت اسلامی مبتنی بر آموزه‌های دین مبین اسلام و منطبق با فرهنگ اصیل ایرانی به پیروزی رسید. امام خمینی(ره) یک پیشوای عادی و یک رهبر معمولی نبود و انقلاب و قیام ایشان بر ضد سلطه، استبداد و ظلم نیز، انقلابی همانند سایر انقلاب‌ها نیست، بلکه تفاوت‌ها و اختلاف‌های زیادی با آن‌ها دارد. انقلاب اسلامی به‌خوبی می‌دانست که چه چیزی را می‌خواهد از بین ببرد و چه چیز به وجود آورد و هدف نهایی‌اش چیست. امام(ره) توانست حکومتی را بر پا کند که همواره برای ایجاد آن، تلاش می‌کرد. حکومتی که از نظر امام، شریعت آن، اسلام، روش آن، بر مبنای عدالت و هدف آن یاری مستضعفین، پابندگان، مظلومین و ستمدیدگان بود. اندیشه حکومت از نظر امام، واضح و مشخص بود، چراکه ایشان، ماهیت حکومت موردنظر خود را در کتاب معروف خود «حکومت اسلامی» و در بسیاری از نوشته‌ها، سخنرانی‌ها، مصاحبه‌ها و جلساتی که در آن برای مردم یا طلاب علوم دینی سخن می‌گفتند، بیان کرده و اندیشه‌های خود را پیرامون حکومت اسلامی و مسائل مربوط به آن، کاملاً مشخص و واضح مطرح نموده بودند. لذا در این پژوهش با رجوع به مجموعه کتب ارزشمند صحیفه امام(ره)، صحیفه نور، وصیت‌نامه حضرت امام(ره) مؤلفه‌های کلیدی حکمرانی متعالی از دید ایشان استخراج گردد که در ادامه به شرح این مؤلفه‌ها می‌پردازیم.

۴-۱- عدالت اجتماعی:

حضرت امام همواره در سخنان خود یکی از اهداف حکومت اسلامی را تحقق عدالت، آزادی و استقلال و احیای هویت بومی برشمرده است. عدالت ازجمله مفاهیم مهمی است که ایشان پیوسته بر آن تأکید داشته است، آن‌گونه که محوری‌ترین جهت‌گیری سیاسی - اجتماعی نظام سیاسی از دیدگاه ایشان به شمار می‌رود. امام در وصیت‌نامه سیاسی - الهی خویش نیز اهمیت عدل را در مورد میزان واقعی شدن برای امور و بُعد اجتماعی و سیاسی عدل به‌گونه‌ای موردتوجه قرار داده که حدود، قصاص، تعزیرات و تمام قواعد سیاسی و اجتماعی بر آن مبتنا می‌یابد. (فوزی، اندیشه سیاسی امام خمینی(ره): ۳۰۰). حکومت مطلوب از منظر امام، حکومتی است که محتوا و ماهیت آن را عدالت، مردمی‌بودن و اسلامی بودن تشکیل می‌دهد: «ما که می‌گوییم حکومت اسلامی، می‌گوییم حکومت عدل». (صحیفه امام، ج ۳: ۵۰۹) به‌طورکلی نظام سیاسی و قانون اساسی باید به‌گونه‌ای طراحی شود که نهادها بتوانند بر یکدیگر نظارت داشته باشند و این همان آیین معروف «امرونی» است که حکومت را به عدالت نزدیک می‌سازد. عدالت اجتماعی به اجرای عدالت در اجتماع مربوط می‌شود که باید حقوق افراد در آن با توجه به مصالح عمومی تأمین شود. از سویی می‌باید رفتار نهادها، مردم و حکومت، بر اساس قانون و به‌دوراز تبعیض باشد و با افراد دارای شرایط یکسان، به‌تساوی برخورد شود و در صورت تفاوت شرایط نیز به نسبت توانایی، شایستگی و نیازهای آن‌ها رفتاری متناسب انجام پذیرد. بنابراین در تحقق عدالت اجتماعی، هم رفتار حاکمان و برنامه‌ریزان حکومتی موردتوجه قرار می‌گیرد و هم رفتار شهروندان با یکدیگر. عدالت اجتماعی از یک سو با مفاهیم سیاسی و اجتماعی مانند برابری، آزادی و مشروعیت سروکار دارد و از سویی دیگر با نهادهای عینی اجتماعی و سیاسی (نظیر دولت، حکومت و گروه‌های اجتماعی) و توزیع قدرت و مشارکت سیاسی و اجتماعی مردم در ارتباط است. امام(ره) می‌فرماید: «در اسلام ظلم و

ستم وجود ندارد. آزادی در اسلام برای همه اقشار اعم از زن و مرد و سیاه‌وسفید، برای همه است. از حالا، مردم باید از خود بترسند نه از حکومت. از این بترسند که مبادا مرتکب تخلفی بشوند. حکومت عدل در برابر تخلف ایستادگی و متخلفین را مجازات می‌کند... از امروز دیگر پلیس مخفی و آزار و اذیت‌های پلیس مخفی وجود نخواهد داشت». در وصیت‌نامه همیشه جاوید امام(ره) آمده است: «... آنچه مردود است، حکومت‌های شیطانی و دیکتاتوری و ستمگری است که برای سلطه‌جویی و انگیزه‌های منحرف و دنیایی که از آن تخرید نموده‌اند جمع‌آوری ثروت و مال و قدرت‌طلبی و طاغوت‌گرایی است و بالاخره دنیایی است که انسان را از حق تعالی غافل کند. اما حکومت حق برای نفع مستضعفان و جلوگیری از ظلم و جور و اقامه عدالت اجتماعی همان است که مثل سلیمان بن داود و پیامبر عظیم‌الشأن اسلام(ص) و اوصیاء بزرگوارش برای آن کوشش می‌کردند، از بزرگ‌ترین واجبات و اقامه آن از والاترین عبادات است. چنانچه سیاست سالم که در این حکومت‌ها بوده از امور لازمه است.» (امام خمینی، ۶۸: ۲۶).^۱ امام خمینی در بحث از عدالت اجتماعی بی‌معنای واقعی، تمام ابعاد آن را مورد توجه قرار می‌دهد. عدالت اجتماعی، یعنی عدالت در سطح زندگی جمعی که خود دارای ابعادی است که در اینجا به سه بعد عدالت اقتصادی، عدالت قضایی و عدالت سیاسی از منظر امام خمینی(ره) می‌پردازیم.

۴-۱-۱- عدالت سیاسی

حضرت امام در کتاب حکومت اسلامی بیان می‌فرمایند: سیاست، هنر اداره امور جامعه است و منافع عمومی مردم را تضمین می‌کند و این، نقش مهمی است که تعالیم اسلامی آن را ایجاد کرده و هدف والای هر یک از احکام آن، پاسداری از منافع جامعه است. پس سیاست در مفهوم مثبت آن، از وظایف شرعی مسلمین محسوب می‌شود و منظور از «مفهوم مثبت»، فهم و درک و آگاهی و تلاش برای منافع عموم مردم است، با همان مضمون حدیث پیامبر اکرم - صلی الله علیه و آله - که فرمودند: «هر که روز را به شب برساند و در [اصلاح] امور مسلمانان تلاش نکند مسلمان نیست» این سخن حضرت امام بیانگر تأکید آن حضرت بر مشارکت عموم مردم در اداره امور عمومی جامعه است. (ملص، ۱۳۹۷: ۴). حضرت امام می‌فرمایند: «آن یک کلمه که می‌خواهم عرض کنم این است که آقایان همان‌طور که زحمت کشیدند این مدت، و بحمدالله تمام کردند این خدمت را، در بلادشان که می‌روند، مردم را دعوت کنند به اینکه بی‌تفاوت نباشند راجع به آن چیزی که سرنوشتشان هست. سرنوشت ما آن قانون اساسی است. اگر بنا باشد که مردم بی‌تفاوت باشند معنایش این است که به اسلام بی‌تفاوت، به سرنوشتشان بی‌تفاوت، به کشورشان بی‌تفاوت هستند... این یک تکلیفی است برای همه ما که راجع به اموری که مربوط به سرنوشت ملتمان، مربوط به اسلام است بی‌تفاوت نباشیم» (امام خمینی، ۵۸: ۴۹) در اندیشه‌ی تشیع همه‌ی مردم وظیفه‌دارند با نهادینه کردن امر به معروف و نهی از منکر به صورت یک نهاد نظارتی تمام‌عیار در ابعاد فرهنگی، سیاسی و اقتصادی، رابطه‌ی بین مردم با مردم و مردم با دولت را بر اساس این نهاد تنظیم کنند.

«شما فکری نکنید که این معنای اسلامی، این جمهوری به معنای اسلامی، به همین معنا که عرض کردم که محتوا اسلام باشد، تو دانشگاه وقتی برویم اسلام باشد، تو دادگستری وقتی برویم اسلام باشد، تو وزارت خارجه برویم اسلام باشد، تو ادارات برویم اسلام باشد، تو بازار برویم اسلام باشد، صحرا برویم اسلام باشد، شهر برویم اسلام باشد، کوشش کنید که این معنا حاصل بشود. اگر این معنا حاصل شد شما تا آخر پیروز هستید. باهم باشید همه‌تان، همه باهم باشید. شما یک نصیب زیادی در این نهضت دارید.» (صحیفه نور، جلد ۷: ۴۷). این بعد به حوزه قدرت و سیاست و مشارکت مردم مربوط می‌شود و از همین رو نسبت به سایر ابعاد عدالت اجتماعی نقشی بنیادین و تعیین‌کننده دارد. اینکه امور کشور به شایستگی اداره شود و این مسئله که حاکمان، مشروعیت خود را چگونه به دست می‌آورند و در نزد مردم مشروعیت دارند یا خیر، می‌تواند با عدالت سیاسی مرتبط باشد. از دیدگاه مردم، اگر حاکم سیاسی شایستگی احراز این مقام را داشته باشد، حکومت عادلانه است؛ در غیر این صورت، اگر به اجبار قدرت را تصاحب کرده باشد، آن حکومت ظالم است و فرمان‌برداری از آن جایز نیست. همچنین در مقام اجرا نیز حکومتی عادل است که با رفع محدودیت‌ها امکان مشارکت برابر و آزاد را برای مردم در زمینه‌های سیاسی فراهم کند و قدرت و مناصب سیاسی را بر پایه استعداد و شایستگی افراد تقسیم کند. بی‌تردید برخورداری از برابری، آزادی، امنیت و آسایش - به عنوان حقوق طبیعی افراد

جامعه - تأمین کننده این فضای عادلانه خواهد بود. یکی از شاخصه‌های عدالت سیاسی از دیدگاه امام، مشارکت برابر است. در آثار و نوشته‌های ایشان، لزوم مشارکت مردم، ابتدای حکومت بر آرای ملت، نظارت مردم بر حکومت و مانند آن بسیار مورد توجه است؛ چنان‌که ایشان در نخستین روزهای پس از پیروزی انقلاب، دیدگاه مردم را در خصوص نوع نظام سیاسی جویا شد و پس از آن نیز در تشکیل مجلس شورای اسلامی، پذیرش قانون اساسی از سوی مردم، انتخاب اعضای خبرگان رهبری و انتخاب رئیس‌جمهور، نظر مردم را از طریق انتخابات جویا گشت. در واقع از دیدگاه امام، «آگاهی مردم و مشارکت و نظارت همگانی آن‌ها با حکومت منتخب خودشان، خود بزرگ‌ترین ضامن حفظ امنیت در جامعه خواهد بود». (همان، ج ۴: ۲۴۸) امام (ره) مشارکت سیاسی را متعلق به همه مردم می‌داند، از این رو در مشارکت همگانی نباید تبعیضی میان مردم ایجاد شود. به سخنی دیگر، از آنجاکه مردم از رشد و آگاهی سیاسی برخوردارند، ضروری است که در همه امور نظارت کنند. در واقع تحقق حاکمیت الهی جز از راه حکومت و مقبولیت مردمی - که به حکومت، توانایی اجرای قانون را می‌دهد - ممکن نیست. بر این اساس، مشروعیت الهی بدون مقبولیت مردم عملاً تحقق نمی‌یابد.

شاخص‌های عدالت سیاسی در گفتمان امام خمینی (ره)

در گفتمان سیاسی امام خمینی (ره) جمهوریت، مردم‌گرایی، ظلم‌ستیزی، توجه به مستضعفان و سایر دال‌های شناور مرتبط با دال‌های مرکزی عدالت، فطرت و اسلام، در راستای به تعالی رسیدن انسان و نیز نیل به حقیقت متعالی، معنا می‌یابد که همان تحقق عدالت است. (جمشیدی، نظریه عدالت در ...، ۳۱۶ و ۳۱۷) اما آنچه در اندیشه و گفتمان سیاسی امام حائز اهمیت است، شاخصه‌ها و معیارهای عدالت سیاسی است که در اینجا بدان‌ها اشاره می‌شود.

۴-۱-۱-۱- مشارکت سیاسی برابر:

اولین شاخصه عدالت سیاسی، مشارکت سیاسی برابر است. یکی از آزادی‌های سیاسی، مشارکت سیاسی برابر و آزادی انتقاد و نظارت است. «مردم هم خودشان مکلف‌اند به این‌که شرکت کنند در انتخابات، نروند کنار؛ تکلیف است؛ حفظ اسلام است. رفتن [به] کنار، خلاف تکلیف است؛ خلاف مصالح اسلام است ... مردم اگر حضور نداشته باشند و خدای نخواسته، لطمه‌ای به اسلام وارد بشود، مسئول هستند.» (صحیفه امام، ج ۱۸، ص ۲۸۶) از نظر امام خمینی امر به معروف و نهی از منکر بر همه مسلمانان واجب است. ایشان تبلور امر به معروف را حضور مردم در صحنه سیاسی و دخالت در این حوزه و نظارت بر آن می‌داند و آن را فریضه‌ای می‌شمارد که زمینه‌ساز مشارکت سیاسی است.

امام خمینی با اشاره به حدیث نبوی «کلکم راع و کلکم مسئول»، از این مشارکت یاد می‌کند و بدین رو مردم را موظف می‌داند که بر امور سیاسی و حتی بر رهبری نظام نظارت داشته باشند:

«همه و همه ملت موظف‌اند که نظارت کنند بر این امور ... اگر من یک‌پایم را کنار گذاشتم، کج گذاشتم، ملت موظف است که بگویند پایت را کج گذاشتی؛ خودت را حفظ کن. مسئله، مسئله مهم است. همه ملت موظف‌اند به این‌که نظارت داشته باشند در همه کارهایی که الآن مربوط به اسلام است.» (صحیفه امام، ج ۸، ص ۵)

الف) حق انتخاب کردن

امام خمینی به عنوان بنیان‌گذار نظام سیاسی مبتنی بر ولایت فقیه، معتقد است ولایت امور مسلمانان و تشکیل حکومت دینی، گرچه با مشورت و حقانیت الهی آمیخته است، اما با اقبال اکثریت جامعه بروز و ظهور می‌یابد. بدین ترتیب، مردم محق شمرده شده‌اند تا به انتخاب بپردازند. (لک زایی، ۱۳۹۲: ۱۴۱). امام خمینی می‌فرماید: [فقیه جامع‌الشرایط] ولایت در جمیع صور دارد، لکن تولی امور مسلمین و تشکیل بستگی دارد به آرای اکثریت مسلمین که در قانون اساسی هم از آن یاد شده است و در صدر اسلام تعبیر شده است به بیعت با ولی مسلمین. (امام خمینی، صحیفه امام، ج ۲۰: ۴۵۹)

ب) حق انتقاد و نظارت

ز دیگر حقوق و آزادی‌های سیاسی مردم در زمینه مشارکت سیاسی، حق انتقاد و نظارت است؛ اصلی که در فقه اسلامی بسیار مورد توجه قرار گرفته است. هر فردی از افراد ملت حق دارد که مستقیماً در برابر سایرین، زمامدار مسلمین را استیضاح کند و به او انتقاد کند و او باید جواب قانع‌کننده بدهد و در غیر این صورت اگر برخلاف وظایف اسلامی خود عمل کرده باشد، خودبه‌خود از مقام زمامدار معزول است و ضوابط دیگری وجود دارد که این شکل را حل می‌کند. (همان، ج ۵: ۴۰۹)

ج) آزادی احزاب و اجتماعات

تحقق مشارکت شهروندان در سیاست و امور کشور و انتخاب کارگزاران بدون همکاری با یکدیگر تقریباً ناممکن است. امام خمینی فعالیت احزاب سیاسی را در چارچوب مصالح ملی می‌داند و می‌فرماید: هرگونه اجتماعات و احزاب از طرف مردم در صورتی که مصالح مردم (مصالح ملی) را به خطر نیندازند، آزادند و اسلام در تمامی شئون حدودمرز آن را تعیین کرده است. (همان، ج ۴: ۲۶۶)

۴-۱-۱-۲- امنیت سیاسی

فراهم آوردن امنیت سیاسی در جامعه دادگر، از طریق ضوابط و معیارهایی است که شهروندان در پرتو آن‌ها می‌توانند به گونه‌ای مؤثر از آزادی‌ها و فرصت‌های پدید آمده برای رسیدن به اهداف خویش بهره‌مند شوند. البته بدیهی است که در صورت نقض این شرایط، افراد برای تغییر قانون به مخالفت با آن برمی‌خیزند. به تعبیری دیگر، امنیت سیاسی برای همگان در سایه برابری در مقابل قانون است؛ حال چه از نظر وضع قانون و چه از حیث اجرای آن. در آرای امام خمینی، امنیت به تفصیل تعریف نگشته، اما گزاره‌هایی در اهمیت و ضرورت امنیت وجود دارد. ایشان امنیت را نعمت می‌داند و در موارد متعددی آن را می‌ستاید. برای مثال در یکجا پس از مقایسه نظام پهلوی با نظام جمهوری اسلامی می‌گوید: دوران ناامنی و هراس مردم و نخبگان به پایان رسیده است. در موارد مشابه دیگری نیز می‌گوید: دولت در خدمت مردم است و از زورگویی و استبداد - که منشأ اصلی ناامنی و هراس و ترس عمومی در یک جامعه به شمار می‌رود - خبری نخواهد بود. (امام خمینی، صحیفه امام، ج ۶: ۲۵۶)

۴-۱-۱-۱- دموکراسی (مردم‌سالاری) اسلامی:

با مطالعه و بررسی سخنان حضرت امام خمینی در مجموعه کتب ارزشمند صحیفه امام (ره)، حضرت امام خمینی (ره)، جمعاً ۷۳ بار در سخنان و پیامهای خود از واژه دموکراسی استفاده کرده اند، باید توجه داشت که تعداد کاربرد واژه دموکراسی در هریک از موارد فوق، متفاوت است. مثلاً امام خمینی در یک سخنرانی ۱۶ بار این کلمه را بکار برده اند (صحیفه امام، ج ۴، ص ۷۶-۷۱) یا در یک مصاحبه (با رادیو و تلویزیون هلند) در پاسخ به نوع حکومت جایگزین نظام شاهنشاهی گفته اند: "رژیمی که به جای رژیم ظالمانه شاه خواهد نشست، رژیم عادلانه ای است که شبیه به آن رژیم در دموکراسی غرب نیست و پیدا نخواهد شد. ممکن است دموکراسی مطلوب ما با دموکراسیهایی که در غرب هست مشابه باشد، اما آن دموکراسی ای که ما می‌خواهیم بوجود آوریم در غرب وجود ندارد. دموکراسی اسلام، کاملتر از دموکراسی غرب است." (صحیفه امام، ج ۴، ص ۳۱۴). امام (ره) اعلام می‌دارد که نظر و رأی مردم، حکم نهایی است و حاکم باید در برابر رأی مردم در اموری که تصمیم‌گیری به عهده مردم است، سر اطاعت فرود آورد. در این باره می‌فرماید: «ما تابع رأی ملت هستیم. ما رأیی را که ملت می‌دهند، اطاعت می‌کنیم و حق نداریم چیزی را بر مردم تحمیل کنیم. پروردگار و پیامبر اسلام (ص) چنین اجازه‌ای به ما نداده‌اند.» (صحیفه امام، جلد ۱۱: ۳۴). امام (ره) درباره دموکراسی می‌فرماید: «ما از اینکه در غرب علیه ما صحبت کنند نمی‌ترسیم و یا از اینکه مدعیان حقوق بشر به ما اعتراض کنند نمی‌هراسیم. باید بر اساس معیار عدالت با آنان رفتار کنیم و بعداً به آنان می‌فهمانیم که معنی دموکراسی چیست. دموکراسی غربی فاسد است. دموکراسی شرقی هم فاسد است. اگر موفق شویم، به شرق و غرب ثابت می‌کنیم که دموکراسی صحیح، دموکراسی اسلامی است. نه دموکراسی آن‌ها که از سرمایه‌داران بزرگ حمایت می‌کند و نه آنکه سردمداران و حامیان قدرت‌های بزرگ دم از آن می‌زنند و مردم را در تنگنای شدید قرار داده است.» (امام خمینی، ۵۸، صحیفه امام، ج ۶: ۴۵۸). امام خمینی (ره)، دموکراسی را در مفهوم واقعی و خالص آن که به معنی آزادی و عدالت و برابری میان مردم است می‌دیدند. یعنی عقیده داشتند که این نظریه، تأمین‌کننده حقوق انسان است.

عدالت اقتصادی به طور عام به عدالت تولیدی و عدالت توزیعی تقسیم می‌شود. عدالت تولیدی را می‌توان یک نگاه سرمایه‌داری به حوزه اقتصاد دانست؛ بدین معنا که باید برای همه افراد فرصت‌های برابر اقتصادی ایجاد شود تا در پرتو آن، تولید توسعه یابد و فقر ریشه‌کن شود و این همان برابری در تولید است. برابری توزیعی نیز به مقوله اقتصاد، نگاهی سوسیالیستی دارد؛ بدین بیان که ثروت‌های جامعه باید به تساوی بین همه افراد توزیع شود و از ثروتمندان و صاحبان درآمد نیز مالیات گرفته شود و بین فقرا و مستمندان توزیع گردد. اما نگاه سومی نیز وجود دارد که معتقد به جمع این دو عدالت در حوزه اقتصاد است که از آن به عدالت فراگیر یاد می‌شود؛ نگاهی که بی‌شک با دیدگاه اسلامی همسوست. این بعد از عدالت اجتماعی در اندیشه امام خمینی به بحث ضمان (تأمین) اجتماعی افراد و برابری فرصت‌ها در جامعه نظر دارد. تأمین اجتماعی، به مفهوم تعهد و مسئولیت اجتماعی برای ایجاد اطمینان و دلگرمی است. یکی از دلایل تشکیل حکومت در جامعه نیز تأمین امنیت عمومی و رفاه نسبی مردم در تمام ابعاد زندگی است. همچنین اگر در جامعه‌ای تساوی در برابر قوانین وجود داشته باشد و جایی برای تبعیض و دوگانگی باقی نماند و همه قشرهای جامعه به حقوق خود برسند، بی‌گمان محیط امنی به وجود می‌آید که در آن استعدادها به شکوفایی می‌رسد و جامعه در مسیر سازندگی قرار می‌گیرد. از همین روست که امام (س) رفاه مردم را از اهداف ملی دولت اسلامی می‌داند: همه آرمان و آرزوی ملت و دولت و مسئولین کشور ماست که روزی فقر و تهیدستی در جامعه ما رخت بربندد و مردم عزیز و صبور و غیرتمند کشور از رفاه در زندگی مادی و معنوی برخوردار باشند (همان، ج ۷: ۳۴۲). برابری فرصت‌ها نیز چنان‌که گفته شد، زمانی تحقق می‌یابد که تبعیض و دوگانگی در جامعه نباشد و تساوی در برابر قوانین وجود داشته باشد؛ نکته‌ای که در اصل نوزدهم قانون اساسی نیز آمده است. (منصور، قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران: ۳۸) با توجه به آنچه گفته آمد، امام خمینی (س) در این باب به هر دو نوع عدالت اقتصادی توجه داشته و همین عنایت، ایشان را در زمره طرفداران عدالت فراگیر جای می‌دهد.

مهم‌ترین ویژگی‌های آرای امام در زمینه برقراری عدالت در عرصه اقتصادی به شرح زیر است:

۴-۱-۲-۱- حمایت از محرومان و مستضعفان:

امام از ابتدای دوران مبارزاتی خود همواره معتقد به دفاع از محرومان و مستضعفان بوده‌اند. ایشان در آن دوران، جامعه را متشکل از دو طبقه متمایز از هم «ظالم» و «مظلوم» می‌دانستند، لذا وظیفه خود را حمایت از مظلوم و محروم در مقابل ظالم می‌دانستند:

«استعمارگران به دست عمال سیاسی خود که بر مردم مسلط شده‌اند نظامات اقتصادی ظالمانه‌ای را تحمیل کرده‌اند و بر اثر آن مردم به دودسته تقسیم شده‌اند ظالم و مظلوم. در یک طرف صد میلیون مسلمان گرسنه و محروم از بهداشت و فرهنگ قرار گرفته است و در طرف دیگر اقلیت‌هایی از افراد ثروتمند و صاحب قدرت سیاسی که عیاش و هرزه گر و فاسدند. مردم گرسنه و محروم کوشش می‌کنند که خود را از ظلم حکام غارتگر نجات بدهند تا زندگی بهتری پیدا کنند و این کوشش ادامه دارد لکن اقلیت‌های حاکم و دستگاه‌های حکومتی جائر مانع آن‌هاست. ما وظیفه داریم پشتیبان مظلومین و دشمن ظالمین باشیم.» (امام خمینی: ولایت فقیه: ۴۴ - ۴۳). حضرت امام (ره) لزوم توجه به وضع محرومان و رسیدگی به آن‌ها را به مسئولان یادآوری می‌کردند. از جمله در اولین روز استقرار رسمی نظام جمهوری اسلامی - دوازدهم فروردین ۱۳۵۸ - در این مورد چنین می‌فرمایند: «... باید مستضعفین را حمایت بکنند. باید مستضعفین تقویت شوند؛ زیرورو بشوند. مستکبر باید مستضعف بشود و مستضعف باید مستکبر بشود؛ نه مستکبر به آن معنی، بلکه همه باید باهم برادر و در این مملکت باشند.» (صحیفه امام، ج ۴: ۳۸۲-۳۸۴). در همان دوران در جای دیگری می‌فرمایند: «... این فقیرها عیال خدا هستند، باید اداره بشوند. خداوند امر کرده است که فقرا را اداره کنیم. یک دسته غنی بنشینند کنار و این‌ها؛ بیچاره‌ها به فقر بگذرانند ... این نمی‌شود که همان مسائل زمان طاغوت حالا هم اجرا بشود. یک دسته آن بالاها بنشینند مرفه و هرچه بخواهند هرزگی بکنند. یک دسته هم این زاغه‌نشین‌ها. این نمی‌شود... این یک خطری برای مردم است. اگر خدای نکرده جمهوری اسلامی نتواند جبران کند، این مسائل اقتصادی را که اول مرتبه زندگی مردم است و مردم مأیوس بشوند از جمهوری اسلامی و اینکه اسلام هم برای آن‌ها نتواند کاری انجام دهد، اگر در این محیط انفجاری حاصل بشود دیگر نه من و نه شما و نه

هیچ کس، نه روحانیت و نه اسلام نمی تواند جلوییش را بگیرد... باید همه دست به دست هم بدهند، ملت، دولت، ثروتمندها، کارخانه دارها و این مشکل را حل کنند.» (صحیفه امام، ج ۱۰، ص ۳۳۳-۳۳۶). این مشی فکری امام در حمایت از محرومان و مستضعفان تا آخرین مراحل رهبری انقلاب و نظام همواره جایگاه خاصی داشته است و حتی توجه به محرومان را به عنوان یک ارزش خدایندانه معرفی می کنند: «... همه مسئولین نظام و حکومت عدل موظفاند که با فقرا و مستمندان و پابرهنگها بیشتر حشرونشر و مراوده و معارفه و رفاقت داشته باشند تا متمکنین و مرفهین و در کنار مستمندان و پابرهنگها بودن وجود را در عرض آنان دانستن و قرار دادن، افتخار بزرگی است که نصیب اولیا شده ... همه آرمان و آرزوی ملت و دولت و مسئولین کشور ماست که روزی فقر و تهیدستی در جامعه ما رخت بربندد و مردم عزیز و صبور و غیرتمند کشور از رفاه در زندگی مادی و معنوی برخوردار باشند. خدا نیاورد آن روزی را که سیاست ما پشت کردن به دفاع از محرومین و رو آوردن به حمایت از سرمایه دارها گردد و اغنیا و ثروتمندان از اعتبار و عنایت بیشتری برخوردار باشند. بدون شک جهان خواران به همان میزان که از شهادت طلبی و سایر ارزش های ایثارگرانه ملت ما واهمه دارند، از گرایش و روح اقتصاد به طرف حمایت از پابرهنگان در هراسند.» (صحیفه امام، ج ۲۰، ص ۳۳۹-۳۴۳). ممکن است با طرح این بحث، پرسشی در ذهن به وجود آید که: «آیا دولت یا جامعه صرفاً وظیفه یک سویه حمایت از محرومان را دارد، یا درواقع نحوه کمک به محرومان باید مورد توجه قرار گیرد؟» امام امت، سیاست دفاع از مستضعفین را با توجه به هدف فراهم آوردن فرصت هایی برای بروز استعدادها و قابلیت های این قشرها دنبال می کنند و در ادامه صحبت قبلی می فرمایند: «... تبیین جهت گیری اقتصاد اسلام در راستای ۱) حفظ منافع محرومین و گسترش مشارکت عمومی آنان و ۲) مبارزه اسلام با زراندوزان، بزرگترین هدیه و بشارت آزادی انسان از اسارت فقر و تهیدستی به شمار می رود و بیان این حقیقت که صاحبان مال و منال در حکومت اسلام هیچ امتیاز و برتری از این جهت بر فقرا ندارند و ابدأ اولویتی به آنان تعلق نخواهد گرفت، مسلم راه شکوفایی و پرورش استعدادهای خفته و سرکوب شده پابرهنگان را فراهم می کند.» (صحیفه امام، ج ۲۰: ۳۳۹-۳۴۳). بنابراین به روشنی مشخص است که امام این تفکر را که می بایست صرفاً باهدف کمک به محرومان برای برآورده ساختن نیازهای اولیه شان به محرومان و مستضعفان نگاه کرد، رد می کنند و درواقع معتقد به این باورند که کمک به محرومان برای فراهم آوردن فرصت مناسب برای بارور ساختن استعدادهای حدادی آنهاست؛ و درواقع این امر باهدف احیای استعدادهای فطری و شکوفایی توانمندی های به ودیعت نهاده شده در انسان هاست. لذا می بینیم که این امر نه از سر ترحم و نه از سر تثبیت موقعیت قشرهای ثروتمند در جامعه و صدقه سری آنها صورت می پذیرد؛ بلکه دقیقاً استراتژی است که امام برای به وجود آوردن عدالت اجتماعی در عرصه اقتصادی در جامعه دنبال می کنند.

۴-۱-۲-۲- نپذیرفتن شکاف شدید طبقاتی:

همان طور که در بخش پیشین نیز مشاهده شد، امام، تاریخ قبل از انقلاب و شکل گیری و استمرار نوعی روابط اجتماعی را در پیدایش فقر و محرومیت در بین بخش اعظم جامعه بسیار بااهمیت می دانستند و همواره بر از بین بردن محرومیت و استضعاف تأکید می فرمودند. «این معنا امروز دیگر عملی نیست که یک دسته ای آن بالاها باشند و همه آن چیزهایی را که بخواهند، به طور اعلی تحقق پیدا کند، پارک ها، اتومبیل ها و ...، یک دسته هم این زاغه نشین ها باشند که اطراف تهران اند... این نه منطق اسلامی دارد، نه منطق انصافی دارد. شماها باید فکری برای این ها بکنید، برای حفظ خودتان، خانواده تان، ثروت و حیثیت تان، خودتان بنشینید باهم تفاهم بکنید. باید فکری بکنید که این تفاوت طبقاتی به این طور نباشد. یک تعدیلی بشود. اسلام تعدیل می خواهد» (صحیفه امام، ج ۸، ص ۳۶).

۴-۱-۲-۳- عدالت قضایی

این عدالت بی معنای عدالت اجرایی است که خود جزئی از عدالت قوانین به شمار می رود. در مورد عدالت قضایی معمولاً گفته می شود که قاضی عادل کسی است که بر اساس قانون و بی طرفانه عمل کند. اما نکته مهم، عادلانه بودن خود قوانین است. (آشوری، ۱۳۸۳: ۵۳) در قانون اسلام به گونه ای از اهمیت قضاوت و سنگینی بار آن و بزرگی مقام قاضی سخن رفته که در خصوص کمتر چیزی آن گونه سفارش ها شده است؛ تا بدان پایه که منصب قضاوت در روایات، تنها بر عهده پیامبر (ص) و امام معصوم (ع) نهاده شده است. (ایزهی، ۱۳۷۸: ۶۵). امام خمینی پس از پیروزی

انقلاب اسلامی به اهمیت و جایگاه مسئله قضا، هدف از اجرای قوانین و مجازات‌ها، فلسفه مجازات‌ها در اسلام، جرائم علیه حقوق مردم و نظارت از سوی اولیای امر پرداخت.

ایشان می‌فرمایند: باید خیلی توجه بکنند آقایان قضا، آقایان دادستان‌ها، کسانی که متکفل این امر مهم اسلامی هستند، که مسئولیت زیاد است و لازم هم هست که شما مسئولیت را به عهده بگیرید. باید وارد شد، لکن در یک امر بزرگی است. توجه بکنند که جان و مال و ناموس یک ملت در دست این قضاوت است و در دست این دادگاه‌هاست و مسئول این مسائل هستند و باید تا آن مقداری که می‌توانند، تا آن مقداری که قدرت دارند، توجه بکنند به مصالح عمومی؛ نه اینکه گناهکار است، از او بگذرند و نه آن که خدای نخواستہ گناهکار نیست، یک‌وقتی مبتلا بشود. (امام خمینی، صحیفه امام، ج ۱۶: ۲۵۲)

۴-۲- نظارت و پاسخگویی:

یکی از اصولی که باید بر رفتار حاکمان در حکومت اسلامی حاکم باشد، اصل نظارت و کنترل است به‌ویژه نظارت و کنترل عمومی که از ناحیه مردم در قالب امر به معروف و نهی از منکر اعمال می‌شود، عامل بسیار قوی و مهمی برای کنترل تمام افراد حاکمیت و حرکت به سوی کارآمدی است. امام اعتقاد داشتند هر فردی از افراد ملت حق دارد که مستقیماً در برابر دیگران، زمامدار مسلمین را استیضاح، و از او انتقاد کند و او باید جواب قانع‌کننده بدهد و در غیر این صورت، اگر به خلاف وظایف اسلامی خود عمل کرده باشد، خودبه‌خود از مقام زمامداری معزول است و تصریح می‌کردند که همه ملت موظف‌اند که نظارت کنند؛ حتی خود ایشان را هم نظارت کنند و این را مسئله مهمی می‌دانستند (ابوطالبی، ۱۳۸۷). باید همه زن‌ها و همه مرد‌ها در مسائل اجتماعی، در مسائل سیاسی وارد باشند و ناظر باشند، هم به مجلس ناظر باشند، هم به کارهای دولت ناظر باشند، اظهارنظر بکنند، ملت باید آلاں همه‌شان ناظر امور باشند، اظهارنظر بکنند در مسائل سیاسی، در مسائل اجتماعی، در مسائلی که عمل می‌کند دولت، استفاده بکنند، اگر یک کار خلاف دیدند (امام خمینی، ۶۸: ۱۹۳).

۴-۳- کارایی و اثربخشی نهاد های حکومتی:

یکی از مهم‌ترین مؤلفه‌هایی که ضامن بقای یک حکومت است کارایی و اثربخشی در بهبود زندگی افراد جامعه است؛ به طوری که هر چه یک حکومت از پاسخ به نیازهای معیشتی مردم بهتر بتواند برآید، مشروعیت و جلب مشارکت مردم در پیشبرد امر حکمرانی را بیشتر به دست می‌آورد. امام خمینی (ره) همواره در طول دوران حکومت به این امر توصیه می‌کردند و یادآور می‌شدند: «آنچه اساس ضعف دولت و جدایی مردم از دولت است عبارت است از: کیفیت عمل دستگاه‌ها است (صحیفه نور جلد ۱۳: ۳۷۹) سپس امام با اشاره به رژیم‌های گذشته (قاجاریه و پهلوی) از فساد و رسم‌کشورداری این حکومت‌ها سخن می‌گویند و نیز عملکرد آلوده به فساد دستگاه‌های آن حکومت‌ها را عامل فساد و جدایی بین دین و ملت می‌دانند. در مجموع حضرت امام (ره) در مورد وظایف دولت که ناظر بر کارآمدی است و کارایی و اثربخشی را به دنبال خواهد داشت بر چهار وظیفه محوله تأکید دارند: الف) نظارت بر تنظیم بازار ب) تخصیص بهینه منابع چ) تجارت خارجی با در نظر گرفتن اصل استقلال و خودکفایی و جلوگیری از مونتاژ د) حمایت از صنایع داخلی (حسین زاده، ۱۳۷۹: ۶۹).

۴-۴- لزوم ارتباط عاطفی دولت و ملت (حاکمیت قلوب میان دولت و ملت):

حاکمیت قلوب میان دولت و ملت اساس همگامی آنان در اداره امور کشور است. حضرت امام (ره) می‌فرمایند «من لازم می‌دانم که به شما آقایان که در رأس بعضی از کشورهای اسلامی هستید نصیحت کنم. شما کوشش کنید که حکومت بر قلوب کشورهای خودتان بکنید، نه حکومت بر ابدان مسلمین اگر بخواهند موفق بشوند و از زیر تعهدهای اجانب و سلطه آن‌ها بیرون بیایند، حکومت‌های آن‌ها باید کوشش کنند که قلوب ملت خودشان را به دست بیاورند. حکومت بر قلوب، یک حکومت شیرین است به خلاف حکومت بر ابدان که قلوب با آن‌ها نباشد. شما دیدید که ایران با اینکه یک مملکت کم‌جمعیتی است لکن برای اینکه قلوب ملت با حکومت موافق بود و موافق هست، الآن در همه گرفتاری‌هایی که حکومت دارد، در همه گرفتاری‌ها ملت کوشش می‌کند که همقدم باشد با آن‌ها و مقاصد دولت را به پیش ببرد و این برای این است که در این کشور، اسلام حکومت می‌کند و حکومت این کشور حکومت بر ابدان نیست، حکومت بر قلوب است. قلوب مردم با کسانی که در

این کشور حکومت می‌کنند همراه است و ملت است که حکومت می‌کند.» از منظر رهبر کبیر انقلاب اسلامی، در حکومت اسلامی باید کارگزاران حکومت در میان مردم باشند از مردم فاصله نگیرند مسئولین پاسخگو باشند و خدمتگزار مردم باشند. ایشان درجایی دیگر در این خصوص می‌فرمایند: «اساس، مقصد عالی ما، مقصد اصلی ما، مقصدی بود که خدای تبارک و تعالی آن را به ما امر کرده، و آن اینکه حکومت باید حکومت الهی باشد، اسلامی باشد، حکومتی باشد که خود مردم می‌خواهند آن حکومت را. وقتی حکومت عادلانه شد، حکومت در خدمت مردم شد، سایه این حکومت بر قلوب مردم است؛ و یک همچو حکومتی می‌تواند حکومت کند. آن‌ها که پایه حکومتشان بر قلوب مردم نیست، نظیر همین حکومت‌های سابق، که وقتی که رفتند، مردم ریختند در خیابان‌ها و گل ریختند و نقل ریختند و آن مسائلی که هر که بوده دیده هر که نبوده شنیده. من همین معنا را به شاه سابق تذکر دادم که کاری نکن که مثل پدرت وقتی بروی همه شادی کنند؛ با مردم باش و با اسلام باش؛ مسیرت مسیر ملت باشد؛ خیانت نباشد در کار، حکومت‌ها باید خدمتگزار مردم باشند؛ و این آدم نشنید این حرف‌ها را؛ و همان شد که گفته می‌شد و ما حدس می‌زدیم. که دیدیم در زمان رضاخان که وقتی که رفت، مردم شادی کردند؛ و دیدند در این زمان که وقتی که این رفت، همه در خیابان‌ها ریختند و بیشتر شادی کردند. حکومت‌ها وقتی حکومت‌های ملی نشد، وقتی پایه حکومت بر دوش یک ملت نبود و بر قلب یک ملت نبود، این‌ها نمی‌توانند یک حکومتی باشند. این به حسب کلی باید حکومت‌ها خدمتگزار مردم باشند، نه اینکه مردم از حکومت بترسند.» (صحیفه امام، جلد ۷، صفحه ۵۲۷ تا ۵۲۹).

۴-۱-۴-آسیب‌ناپذیری در حاکمیت بر قلوب

شما آقایان کوشش کنید، شما سران کشورها کوشش کنید، و به دیگر سران کشور هم سفارش کنید که آن‌ها هم نظیر ایران حکومت بر قلوب مردم نکنند. اشکال مسلمین این است که در بسیاری از حکومت‌ها حکومت بر ابدان است، آن‌هم با فشار؛ و لهذا موفق نیستند. اگر ما حکومت بر ارواح بکنیم و سران کشورهای اسلامی حکومت بر ارواح بکنند و قلوب ملت‌ها را به دست بیاورند، با این کثرت جمعیت و با این مخازن زیاد این‌ها آسیب‌پذیر نخواهند بود (صحیفه امام، جلد ۱۴، صفحه ۱۷۹ تا ۱۸۱).

۴-۵-فرهنگ مبارزه با فساد:

حضرت امام (ره) مبارزه با فساد با اتکا به موازین و معیارهای اسلامی را اساس کار جمهوری اسلامی می‌دانستند ایشان در مصاحبه‌ای که در ۱۱ آذرماه ۵۷ با تلویزیون سراسری ایتالیا داشتند این‌گونه بیان فرمودند: «اساس کار یک جمهوری اسلامی تأمین استقلال مملکت و آزادی ملت‌ها و مبارزه با فساد و فحشا و تنظیم و تدوین قوانین است که در همه زمینه‌های اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی با توجه به معیارهای اسلامی، اصلاحات لازم را به عمل آورد که این اصلاحات با مشارکت کامل همه مردم خواهد بود و هدفش قبل از هر چیز، از بین بردن فقر و اصلاح شرایط زندگی برای اکثریت قاطع مردم ماست که از همه جهت مورد ظلم واقع شده‌اند.» (صحیفه نور، جلد ۴ صفحه ۶).

حضرت امام (ره) با اشاره به فساد حکومت پهلوی و شخص محمدرضا شاه ملعون اعتقاد داشتند که مبارزه با فساد از رأس هرم قدرت شروع می‌شود اگر حاکم جامعه اسلامی صالح باشد زیردستانی به کار می‌گمارد که آن‌ها نیز صالح و درستکار باشند و به تبع آن فرهنگ فسادناپذیری و پاک‌دامنی را در جامعه رواج می‌دهد، ایشان می‌فرمایند «اگر آدم فاسد باشد، یک هیأت دولت فاسد درست می‌کند، یک مجلس فاسد درست می‌کند، دنبال او فرهنگ فاسد، نظام فاسد، اقتصاد فاسد بد، همه این‌ها دنبال بدی او هستند، از اینجا شروع می‌شود همه این‌ها. اگر آن مرد، آن کسی که در آن نقطه بالا به خیال خودش واقع شده، یک آدم صلاحیت‌داری باشد، یک آدمی باشد که به فکر ملت باشد، یک آدمی باشد که بستگی به غیر را عار بداند برای خودش، یک نفر مسلمی باشد که، مسلمانی باشد که تحت فرمان خدا باشد، که نباید زیر بار اجانب برود، نباید فرمان‌بردار اجانب باشد، اگر یک چنین آدمی رئیس یک مملکت بشود، تمام مملکت را همان اصلاح می‌کند» (صحیفه نور جلد چهارم: ۱۱۹).

«جمهوری اسلامی و حزب جمهوری اسلامی موظف است و دولت و همه موظفانند به اینکه نگذارند، یک مورد هم فساد وقتی واقع شد اغماض نکنند، همان یک مورد را تعقیب کنند و همین یک مورد را از بین ببرند تا سرایت نکند، یک وقت یک جمهوری به فساد کشیده بشود یا لاقلاً

به این‌طور کشیده بشود که بدنام بشود در دنیا. به‌اندازه کافی ما اشخاصی که، مبلغینی که بخواهند این جمهوری اسلامی را به بدنامی بکشند به‌قدر کافی در دنیا ما داریم. خودمان نباید یک کاری بکنیم که کمک بشود، به‌قدر کافی دنیا با ما دارد مخالفت می‌کند. ولی شما اگر خودتان را حفظ بکنید و اگر اخلاق اسلامی در خودتان نفوذ بکند و همه توجه به این مسائل داشته باشید که از اخلاق اسلامی یکی از امور مهمش قضیه تفرقه نداشتن و مجتمع بودن است، همه باهم بودن است و تا حالا هم ما هر چه پیشرفت کرده‌ایم از این معنا بوده. تاکنون این جمهوری اسلامی از اولی که انقلاب پیداشده، چه در آنجائی که قطع ریشه‌های فساد را کردند و از بین بردند تا آنجائی که در امور کشور کارسازی کردند، بازسازی کردند، در اثر این وحدتی بوده است که این‌ها داشتند که یکی از اخلاق اسلامی است» (صحیفه نور جلد ۱۶: ۱۱۱ تا ۱۱۲).

۴-۶- قانون مداری الهی:

« باید شما دانشجویان دانشگاه‌ها و سایر طبقات روحانی و غیره از دخالت دادن سلیقه و آراء شخصی خود در تفسیر آیات کریمه قرآن مجید و در تأویل احکام اسلام و مدارک آن جداً خودداری کنید و ملتزم به احکام اسلام به همه ابعادش باشید و مطمئن باشید آنچه صلاح جامعه است در بسط عدالت و رفع ایادی ظالمه و تأمین استقلال و آزادی و جریانات اقتصادی و تعدیل ثروت به‌طور عاقلانه و قابل عمل و عینیت در اسلام به‌طور کامل می‌باشد و محتاج به تأویلات خارج از منطق نیست و لازم است مراقب باشید باکمال دقت و هوشمندی که کسانی که التزام به اسلام ندارند به جمیع ابعادش، ولو در اصلی از اصول با شما موافق نیستند، آن‌ها را دعوت به التزام کنید» (صحیفه نور، جلد دوم، صفحه ۱۸). برداشت امام خمینی (ره) از حکومت، گاهی به‌مثابه تعهد و التزام به قواعد و قانون است که هم فقیه و هم شهروندان موظف به اجرای آن هستند که این نزدیک به مفهوم اجتماع مدنی است و گاهی به معنای تعهد و التزام به قواعد و قانون شریعت است که به مفهوم اجتماع متعدّد نزدیک است. حال طبق تعریف اجتماع سیاسی و اجتماع متعدّد برای تبیین نظر امام باید تعریف جدیدی پیدا کرد تا بین این دو را جمع بست؛ اما جمع بین این دو مفهوم مشکلات خاصی را در پی خواهد داشت. امام خمینی بین حق شهروندی و حق فقیه به‌عنوان شخصیت حقوقی جمع می‌بندد و هر دو را تابع قانون می‌داند و تأکید امام بر شریعت و قانون نیز با حق شهروندی مغایرتی ندارد؛ زیرا حق طبیعی را برای اشخاص، طبیعی می‌شمارد و حکومت اسلامی را ضامن بهره‌مندی شهروندان از حقوق طبیعی‌شان می‌شناسد. درواقع ایشان حق طبیعی و فطری را جدای از حق شرعی و الهی نمی‌بیند و معتقد است: "دولت در خدمت حکومت اسلامی در خدمت مردم است و باید خدمت‌گزار ملت باشد" (امام خمینی (ره)، ۵۸، ۲۰۰). امام (ره) می‌فرمایند: «ما می‌خواهیم احکام اسلام در همه‌جا جریان پیدا کند و احکام خدای تبارک و تعالی حکومت کند. در اسلام حکومت، حکومت قانون، حتی حکومت رسول‌الله و حکومت امیر المومنین حکومت قانون است یعنی قانون خدا آن‌ها را تعیین کرده است، آن‌ها به‌حکم قانون واجب‌الاطاعه هستند پس حکم از آن قانون خداست و قانون خدا حکومت می‌کند. در مملکت اسلامی باید قانون خدا حکومت کند و غیر قانون خدا هیچ‌چیز حکومتی ندارد. اگر رئیس‌جمهوری در مملکت اسلامی وجود پیدا بکند، این اسلام است که او را رئیس‌جمهور می‌کند، قانون خداست که حکم فرماست» (امام خمینی (ره)، ۵۸: ۲۰۱).

۴-۷- آزادی باید منطقی و طبق قانون الهی باشد:

یکی از اهداف مهم و مبانی حکومت اسلامی و نظام سیاسی اسلام، که معمولاً در تمام نظام‌های سیاسی و حرکت‌ها و جنبش‌های انقلابی بر آن بسیار تأکید می‌شود، بحث آزادی است. این هدف در شعارهای مردم در زمان نهضت اسلامی در دوران حکومت پهلوی کاملاً مشهود است به‌گونه‌ای که شعار اصلی و همیشگی راهپیمایی‌ها، که بیانگر هدف و خواسته اصلی مردم بود، شعار "استقلال، آزادی، جمهوری اسلامی" بود که بر آزادی به‌عنوان یکی از اهداف اصلی انقلاب تأکید می‌کرد و این آزادی را در چهارچوب اسلام و شرع مقدس می‌خواستند. امام خمینی (ره) هدف را برقراری جمهوری اسلامی می‌دانستند و برنامه جامعه را تحصیل آزادی و استقلال قلمداد می‌کردند. ایشان تصریح کردند که: "ما اسلام را می‌خواهیم که اسلام، آزادی به ما بدهد نه آزادی منهای اسلام"

حضرت امام(ره)، ولایت فقیه را چشم و حافظ نظام می‌دانست و بررسی سخنان و سیره عملی وی ثابت می‌کند که ایشان معتقد به نقش نظارتی ولی فقیه بود و باوجود مراجعات مکرر مسئولان به ایشان و درخواست راهنمایی و اتخاذ تصمیم حتی‌الامکان در امور اجرایی و قانون‌گذاری و قضایی دخالت نمی‌کرد و از همه می‌خواست طبق ضوابط قانونی و از طریق مسئولان هر قوه، عمل کنند. (اخوان، ۹۶: ۳) حضرت امام(ره)

با آوردن حدیثی از پیامبر در خصوص جانشینی، اینطور نتیجه گیری کرده اند که «ولایت فقیه با در نظر گرفتن شرایطی که عدالت، علم، و پابندی کامل به احکام اسلام از آن جمله است، واجب می باشد» (موسوی خمینی، ۱۳۵۸: ۹۶). امام(ره)، ولی فقیه رامسئول حفظ جامعه در مسیر اسلام می داند تا اجازه ندهد که حکومت با هیچ یک از احکام اسلام تعارض داشته باشد. از سوی دیگر، ولی فقیه باید به صفات عالییه و ویژگیهای برجسته، آراسته بوده و به‌طور کلی از هر آنچه که به عدالت، استواری و اعلمیت او خدشه وارد می‌کند، اجتناب نماید (خمینی، ۱۳۵۸: ۴۵ و ۴۶).

جدول ۱ مؤلفه‌های حکمرانی متعالی از منظر حضرت امام خمینی(ره)

ردیف	مؤلفه	شاخص	ردیف	مؤلفه	شاخص
۱	عدالت اجتماعی	۱. عدالت اقتصادی ۲. عدالت سیاسی ۳. عدالت قضایی	۵	فرهنگ مبارزه با فساد	اخلاق اسلامی مسئولین فسادناپذیری مسئولین
۲	نظارت و پاسخگویی	امربه معروف و نهی از منکر	۶	قانون مداری الهی	تعهد و التزام شهروندان به قواعد و قانون شریعت
۳	کارایی و اثربخشی	۱. نظارت بر تنظیم بازار ۲. تخصیص بهینه منابع ۳. تجارت خارجی با در نظر گرفتن اصل استقلال و خودکفایی ۴. حمایت از صنایع داخلی	۷	آزادی منطقی و الهی	آزادی در چهارچوب شرع مقدس اسلام
۴	ارتباط عاطفی دولت و ملت	مردمی بودن مسئولین و نیروهای مسلح		ولایت فقیه	فقیه عالم، عادل، پایبند به احکام اسلام مسئول حفظ جامعه در مسیر اسلام

۵- حکمرانی متعالی ایرانی - اسلامی از منظر مقام معظم رهبری (مدظله العالی)

مقام معظم رهبری (دامت برکاته) با تبیین فرآیند پنج‌گانه انقلاب اسلامی (انقلاب اسلامی، نظام اسلامی، دولت اسلامی، جامعه اسلامی، امت اسلامی) بر این نکته تأکید دارند که با پیروزی انقلاب اسلامی در سال ۱۳۵۷ و تشکیل نظام جمهوری اسلامی و تثبیت قانون اساسی در

^۱ خمینی، روح‌الله، رهبر انقلاب و بنیانگذار جمهوری اسلامی ایران، ۱۲۷۹ - ۱۳۶۸، حکومت اسلامی و ولایت فقیه در اندیشه امام خمینی (ره)، موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره)، ۱۳۸۹، ص ۹۶

سال‌های ابتدایی، مراحل اول و دوم گام‌های پنج‌گانه انقلاب اسلامی محقق شده است اما به‌رغم تلاش‌های صورت گرفته، دولت اسلامی در معنای حقیقی محقق نشده و تأکید دارند که باید دولت اسلامی به‌عنوان گام سوم از روند تحقق تمدن اسلامی هرچه زودتر محقق شود. از منظر معظم له، دولت اسلامی متشکل از مجموعه نهادها و کارگزاران و نه صرفاً قوه مجریه است و آنچه عملاً دولت را متصف به اسلامی بودن یا نبودن آن می‌نماید «عملکرد و جهت‌گیری اسلامی» می‌باشد (محمدری، ۱۳۹۷: ۱). لذا می‌توان مقصود ایشان از دولت اسلامی را همان تحقق حکمرانی متعالی دانست، در دیدگاه مقام معظم رهبری دولت به معنای مجموعه کارگزاران و نهادهای حکمرانی اطلاق می‌شود: «دولت به معنای عام، نه به معنای هیئت وزرا؛ یعنی قوای سه‌گانه، مسئولان کشور، رهبری و همه» (بیانات ۱۳۷۹/۰۹/۱۲). آنچه در این دیدگاه معرف دولت اسلامی از سایر دولت‌ها است، رفتار کارگزاران و کارکردی است که دولت اسلامی دنبال می‌کند: «معنای شعار دولت اسلامی این است که ما می‌خواهیم اعمال فردی، رفتار با مردم، رفتار بین خودمان، و رفتار با نظام‌های بین‌المللی و نظام سلطه امروز جهانی را به معیارها و ضوابط اسلامی نزدیک‌تر کنیم. این شعار، بسیار بارز است» (بیانات ۱۳۸۴/۰۶/۰۸). در این بخش از تحقیق با رجوع به بیانات معظم له تلاش می‌شود ابعاد و شاخص‌های حکمرانی متعالی از دید ایشان تبیین گردد.

۵-۱- سلامت اعتقادی، اخلاقی و عملکردی مسئولان

به اعتقاد مقام معظم رهبری (مدظله‌العالی)، سلامت اعتقادی، اخلاقی و عملکردی کارگزاران دولت اسلامی مهم‌ترین سنجه در ارزیابی تحقق حکمرانی متعالی می‌باشد. از منظر ایشان، سیره و منش امام راحل (ره) در اداره امور جامعه، بهترین الگو برای کارگزاران حکومت اسلامی است «اولین شاخص دولت اسلامی، شاخص اعتقادی و اخلاقی است - بخصوص در مسئولان رده‌های بالا - سلامت اعتقادی، سلامت اخلاقی، سلامت عملکردی که از اعتقاد درست و نگاه درست به حقایق جامعه ناشی می‌شود... علاوه بر منابع اسلامی - که حالا ممکن است از منابع اسلامی، افراد گوناگونی تلقی‌های مختلفی داشته باشند - ما مجموعه رهنمودهای امام بزرگوار را داریم؛ امام، مورد اعتقاد و قبول و اذعان همه ما است. خوب، مجموعه بیانات امام، مجموعه موضع‌گیری‌های امام، مجموعه رهنمودهای امام در اختیار ما است. این شد آن شاخص» (بیانات معظم له ۱۳۹۲/۰۶/۰۶). مقام معظم رهبری سه ویژگی شخصیتی امام را برمی‌شمارند که از نظر معظم له مسئولین نظام باید این خصوصیات را داشته باشند «سه باور در امام بزرگوار ما وجود داشت، که همین سه باور به او قاطعیت می‌داد، شجاعت می‌داد و استقامت می‌داد: باور به خدا، باور به مردم، و باور به خود. این سه باور، در وجود امام، در تصمیم امام، در همه حرکات‌های امام، خود را به معنای واقعی کلمه نشان داد» (بیانات معظم له ۱۳۹۲/۰۳/۱۴).

۵-۲- حکومت مبتنی بر ولایت:

مقام معظم رهبری (مد ظله العالی) با بکار بردن کلمه ولایت بجای واژه حکمرانی به بیان ویژگی‌های حاکم جامعه اسلامی می‌پردازد و به اهمیت ارتباط و همبستگی مردم با ولی یا حاکم جامعه اسلامی اشاره می‌کنند، ایشان می‌فرمایند «در اسلام، بیشتر از همه بر روی کلمه «ولایت» تکیه شده است. هم در اینجا (واقعۀ غدیر) و هم در آیه شریفه «اتما ولیکم الله و رسوله»، پدیده حکومت را با نام «ولایت» بیان کرده است. ولایت، معنای عجیبی است. اصل معنای ولایت، عبارت از نزدیک بودن دو چیز با یکدیگر است. فرض بفرمایید وقتی که دو ریسمن، محکم به هم تابیده می‌شوند و جدا کردن آن‌ها از یکدیگر، به آسانی ممکن نیست، آن را در عربی «ولایت» می‌گویند. اسلام، حکومت را با تعبیر «ولایت» بیان می‌کند و شخصی را که در رأس حکومت قرار دارد به‌عنوان والی، ولی، مولا - یعنی اشتقاق کلمه ولایت - معرفی می‌کند. معنای آن چیست؟ معنای آن، این است که در نظام سیاسی اسلام، آن کسی که در رأس قدرت قرار دارد و آن کسانی که قدرت حکومت بر آن‌ها در اختیار اوست، ارتباط و اتصال و پیوستگی جدایی‌ناپذیری از هم دارند. این، معنای این قضیه است. این، فلسفه سیاسی اسلام را در مسئله حکومت برای ما معنا می‌کند. هر حکومتی که این‌طور نباشد، این ولایت نیست؛ یعنی حاکمیتی که اسلام پیش‌بینی کرده است، نیست. اگر فرض کنیم در رأس قدرت، کسانی باشند که با مردم ارتباطی نداشته باشند، این ولایت نیست. اگر کسانی باشند که رابطه آن‌ها با مردم، رابطه ترس و رعب و خوف باشد - نه رابطه محبت و التیام و پیوستگی - این ولایت نیست. اگر کسانی با کودتا بر سرکار بیایند، این ولایت نیست. اگر کسی با وراثت و جانشینی نسبی - منهای فضایل و کیفیات حقیقی که در حکومت شرط است - در رأس کار قرار گیرد، این ولایت نیست.

ولایت، آن وقتی است که ارتباط والی یا ولی، با مردمی که ولایت بر آن هاست، یک ارتباط نزدیک، صمیمانه، محبت آمیز و همان طوری که در مورد خود پیامبر وجود دارد - یعنی «بعث فیهم رسولا من انفسهم» (۵) یا «بعث منہم»: از خود آنها کسی را مبعوث کرده است - باشد؛ یعنی از خود مردم کسی باشد که عهده دار مسئله ولایت و حکومت باشد. اساس کار در حاکمیت اسلام این است.»

۵-۳- عدالت محوری:

مقام معظم رهبری یکی از ویژگی های حکمرانی را توجه به گسترش عدالت در جامعه با پیروی از سیره امیرالمؤمنین علی (ع) می دانند. ایشان می فرمایند «امروز بعد از گذشت قرن ها، اگر بخواهیم عدالت را تعریف کنیم و آن را در ضمن مثال و نمونه بیان کنیم، هیچ مثالی رساتر و گویاتر از رفتار امیرالمؤمنین علیه السلام نمی توانیم پیدا کنیم. این است که نبی اکرم (ص) او را به امر پروردگار و با نصب الهی به مردم معرفی و به مقام ولایت منصوب می کند. این یک حقیقت اسلامی است. این کجا و این که کسی معتقد باشد که هر ظالمی با هر شیوه و رفتار بازیگرانه ای توانست زمام قدرت را در دست بگیرد، مردم باید از او اطاعت کنند، کجا؟! این اسلام است یا آن؟! لذا مسئله ی غدیر با این مضمون والا متعلق به همه ی مسلمان هاست، چون به معنای حاکمیت عدل، حاکمیت فضیلت و حاکمیت ولایت الله است. اگر ما هم بخواهیم حقیقتاً از متمسکین به ولایت امیرالمؤمنین باشیم، باید خودمان و محیط زندگی مان را به عدل نزدیک کنیم. بزرگ ترین نمونه این است که هر چه بتوانیم، استقرار عدل کنیم. چون دامنه ی عدالت نامحدود است. هر چه بتوانیم عدل را در جامعه بیشتر مستقر کنیم، شباهت ما به امیرالمؤمنین و تمسک ما به ولایت آن بزرگوار بیشتر خواهد شد.» (بیانات معظم له ۱۳۸۱/۱۲/۱). عدالت در دیدگاه ایشان، اساس پیشرفت و پیشرفت بدون عدالت همان نتیجه ای را خواهد داشت که تمدن پر جلوه غرب، امروز به آن دچار شده است. (بیانات ۱۳۹۲/۰۶/۰۶) و عدالت در منظومه فکری ایشان به قدری اهمیت دارد که می فرمایند: «جامعه اسلامی باید دنبال عدالت هم برود و اگر عدالت نیست، آن را تأمین کند. اگر در دنیا دونقطه وجود دارد که یکی نقطه عدل و یکی نقطه ظلم است و هر دو هم غیر اسلامی هستند، اسلام به آن نقطه عدل، و لو غیر اسلامی است، توجه موافق دارد» (بیانات ۱۳۷۳/ ۱۰/۱۰).

۵-۴- حاکمیت اسلام:

علت این که امام پیروز شد، چون هدف خود را که حاکمیت اسلام است، صریح بیان کرد. البته اسلام که امام فرمود، در دو بخش قابل توجه است: یکی بخش اسلام در قالب نظام، امام، اینجا خیلی سختگیر بود و به یک کلمه کم یا زیاد، راضی نمی شد؛ به یک مسامحه، چه در مسائل اقتصادی، چه غیره، راضی نمی شد. همه جا مَرّ اسلام. نظام اسلامی، مجلس شورای اسلامی، دولت اسلامی، قضاوت اسلامی و دستگاه های گوناگون باید بر طبق مصالح، خطّ اسلام و راه حاکمیت اسلام را دنبال کنند. امام، این را دنبال می کرد و تا آنجا که توانست، تلاش کرد. چهره دوم در مورد پایبندی به اسلام، عمل فردی اشخاص است. در اینجا دیگر آن صلابت و قاطعیت و اعمال قدرت، وجود ندارد. اینجا موعظه، نصیحت، زبان خوش و امر به معروف است. امام، به این عقیده داشت. پس اول چیزی که در خطّ امام، مهم است، تعقیب هدف اسلامی و حاکمیت اسلامی در صحنه ایمان و در صحنه عمل است.

۵-۵- مردم سالاری دینی:

مردم سالاری مبتنی بر مبانی دینی، اعتقادی و ایمانی و نه قرارداد اجتماعی است و این امر وجه تمایز مردم سالاری دینی از دموکراسی غربی می باشد (بیانات مقام معظم رهبری ((مدظله العالی)) ۲۲/ ۰۲/ ۱۳۸۲). ایشان برای مردم هم در تشکیل و هم استمرار دولت اسلامی نقش اساسی قائل هستند و معتقدند در انقلاب اسلامی، مردم نقش خود را به خوبی ایفا کردند. چنانکه اگر آراء و حضور مردم نبود و خواست آنها محقق نمی شد؛ اساساً نظام جمهوری اسلامی تشکیل نمی شد (بیانات مقام معظم رهبری ((مدظله العالی)) ۱۴/ ۰۳/ ۱۳۷۸). در واقع ایشان همچون امام خمینی (ره) معتقدند مردم ولی نعمت کارگزاران در نظام اسلامی هستند (خمینی، ۱۳۷۸: ج ۱۸ ص ۳۸) و نقش تعیین کننده دارند: «در نظام اسلامی، مردم تعیین کننده اند» (بیانات مقام معظم رهبری ((مدظله العالی)) ۱۴/ ۰۳/ ۱۳۸۰). آیت الله خامنه ای حق انتخاب مدیر و نقش داشتن در امور کشور را، از جمله حقوق آحاد ملت می دانند (بیانات ۰۱/ ۰۱/ ۱۳۸۴) و بر حضور حداکثری، عمومی، یکپارچه، پر

شوق و امیدوارانه مردم در عرصه‌های مختلف تأکید دارند (بیانات مقام معظم رهبری ((مدظله‌العالی)) ۱۳۹۲/۰۳/۲۲). می‌توان گفت در نگاه ایشان رابطه مردم و نظام اسلامی یک رابطه دوسویه است؛ از یک‌سو، پشتیبانی دل‌ها و احساسات مردم از مسئولان، پشتوانه حرکت آنهاست (بیانات مقام معظم رهبری ((مدظله‌العالی)) ۱۳۸۵/۰۸/۱۹) و آن را قوام نظام جمهوری اسلامی بیان می‌کنند (بیانات مقام معظم رهبری ((مدظله‌العالی)) ۱۳۸۱/۱۲/۰۶) و از سوی دیگر بنای جمهوری اسلامی را بر اعتماد کردن به مردم و اعتقاد نظام اسلامی به مشارکت مردم می‌دانند (بیانات مقام معظم رهبری ((مدظله‌العالی)) ۱۳۸۷/۰۹/۲۴). «مردم‌سالاری فقط در اداره‌ی سیاسی کشور نیست، در خدمات شهر و روستا است؛ در زنده کردن روحیه‌ی کارهای بزرگ در کشور است - که شما نمونه‌ی آن را، مصداق واقعی آن را در تشکیل سپاه پاسداران، در تشکیل جهاد سازندگی، در تشکیل بسیج مشاهده می‌کنید؛ ناگهان در کشور یک حقیقتی مثل جهاد سازندگی به وجود می‌آید و آن همه کارهای بزرگ را در طول چند سال انجام می‌دهد؛ [همین‌طور] سپاه پاسداران یا بسیج؛ این، ناشی از حضور مردم است - در پرورش و بروز استعدادهای مردمی، [یعنی] ظرفیت‌های انسانی کشور» (بیانات مقام معظم رهبری ((مدظله‌العالی)) ۱۳۹۶/۱۱/۲۹). «اهمیت ملت در مردم‌سالاری بالا می‌رود، یعنی ملت شخصیت پیدا می‌کند، وجهه‌ی عمومی و دنیایی پیدا می‌کند، عزت و حرمت پیدا می‌کند» (بیانات مقام معظم رهبری ((مدظله‌العالی)) ۱۳۹۶/۱۱/۲۹). «چند کلیدواژه‌ی اصلی هست، این کلیدواژه‌های اصلی را فراموش نکنید: مسئله‌ی «نقش مردم در حکومت» یکی از این کلیدواژه‌ها است» (بیانات مقام معظم رهبری ((مدظله‌العالی)) ۱۳۹۶/۰۳/۱۷). به باور امام خامنه‌ای (مدظله‌العالی)، رأی مردم به‌مثابه امانت و هیچ‌کس حق خیانت در آن ندارد. از این‌رو مراقبت از آراء مردم، واجب شرعی و نتیجه آن نیز بسان حق الناسی است که باید از آن صیانت کرد (بیانات ۱۳۸۰/۰۶/۱۸). حضور مردم و نقش‌آفرینی آنها مهم‌ترین رکن در تحقق دولت اسلامی است: «ما مسئولان، بدون حمایت مردم چیزی نیستیم و نمی‌توانیم کاری بکنیم» (بیانات مقام معظم رهبری ((مدظله‌العالی)) ۱۳۸۰/۰۵/۱۱). ایشان اهمیت رأی مردم را برگرفته از قانون اساسی و همچنین تعلیم و راهنمایی‌های امام (ره) می‌دانند (بیانات مقام معظم رهبری ((مدظله‌العالی)) ۱۳۸۰/۰۳/۱۴). به باور ایشان، سیره امام خمینی (ره) مبنی بر تأکید بر برگزاری رفراندوم درباره اصل و کیفیت نظام، انتخابات خبرگان و قانون اساسی، انتخابات ریاست جمهوری و چند ماه بعد انتخابات مجلس که همگی در همان سال اول پیروزی انقلاب برگزار شدند همگی دلیلی بر اعتقاد واقعی و راسخ امام (ره) به آراء مردم است (بیانات مقام معظم رهبری ((مدظله‌العالی)) ۱۳۷۸/۰۳/۱۴).

۵-۶- تعالی معنوی در کنار رفاه مادی:

اگرچه تأمین نیازهای مادی افراد جامعه یکی از وظایف حکومت‌ها از جمله حکومت دینی است، اما آنچه حکومت‌های دینی را از حکومت‌های غیردینی جدا می‌کند این است که در حکومت‌های دینی در کنار توجه به نیازهای مادی به نیازهای معنوی و روحی افراد نیز توجه می‌شود و نگاه صرف مادی نسبت به نیازهای افراد جامعه ندارد. از این‌رو مقام معظم رهبری می‌فرماید: «کشوری که اسلام برای ما خواسته است، جامعه‌ای که اسلام برای ما خواسته است؛ جامعه‌ای که در آن، عزت دنیا هست، رفاه دنیا هست، ایمان و اخلاق و معنویت هم در آن هست» (بیانات مقام معظم رهبری ((مدظله‌العالی)) ۱۳۹۲/۰۲/۱۳). معنویت دینی باید عنصری اصلی در حرکت و پژوهش علمی قرار گیرد، در این صورت اخلاقی شدن جامعه نیز تحقق پیدا خواهد کرد (بیانات، ۱۳۸۸: ۱۸۵). معنویت دینی با پیشرفت‌های زمان نه تنها مخالف نیست، بلکه متدینین و اهل معنا را در جهت دستیابی به پیشرفت مادی و معنوی سوق می‌دهد و تفکری که امروز از طریق انقلاب به دنیا عرضه شده بسیار نو و مبتنی بر مذهب است. تفکر معنوی عرضه شده در انقلاب اسلامی به دنیای کنونی تفکری پویا و پیشرفته است (بیانات مقام معظم رهبری ((مدظله‌العالی)) ، ۱۳۶۸: ۴۹۵). «هدف جمهوری اسلامی عبارت است از رسیدن به آرمان‌های اسلام، یعنی سعادت مادی و معنوی بشر، یعنی پیشرفت در امور زندگی مادی و معنوی». (بیانات مقام معظم رهبری ((مدظله‌العالی)) ۱۳۹۲/۰۲/۱۹).

۵-۷- اقتدار درون‌زا:

امام خامنه‌ای (مدظله‌العالی) یکی از عوامل پیشرفت جامعه اسلامی را اقتدار بر خواسته از توانمندی‌های داخلی بر می‌شمارد و از آن به اقتدار درون‌زا یاد می‌کند از منظر ایشان اقتدار درون‌زا باید شامل اقتدار علمی، اقتدار دفاعی، اقتدار اقتصادی را شامل شود.

«ما باید علی‌رغم دشمن، سعی کنیم عناصر قدرت را در داخل جمهوری اسلامی افزایش بدهیم. یکی همان علم است که شما در جریان‌ها هستید؛ واقعاً میدان مبارزه است، مایه‌ی قدرت کشور است. یکی قدرت دفاعی است؛ همین مسئله‌ی موشک‌ها و این حرف‌هایی که سروصدا می‌کنند. باید روزبه‌روز این قدرت دفاعی افزایش پیدا کند، و البته می‌کند؛ به کوری چشمشان، روزبه‌روز هم افزایش پیدا خواهد کرد. سوم قدرت اقتصادی است؛ به قدرت اقتصادی اهتمام بکنید. قدرت اقتصادی هم با وابستگی به این‌وآن حاصل نمی‌شود. بنده از سابق، از قدیم، نه حالا، پارها گفته‌ام، من با سرمایه‌گذاری‌های خارجی‌ها در کشور موافقم، من هیچ مخالفتی ندارم؛ غربی یا اروپایی مشکلی نیست؛ منتها تکیه‌ی اقتصاد کشور نباید به ستونی باشد که ممکن است با نعره‌ی مثلاً یک ترامپی بلرزد؛ این [طور] نباید باشد. آن ستون مورد اعتماد در اقتصاد کشور بایستی مربوط به درون کشور و داخل کشور باشد، باید اقتصاد ما درون‌زا باشد؛ یعنی همان اقتصاد مقاومتی، که سیاست‌هایش اعلام شده و باید دنبال بشود. بنابراین، این هم یک نکته است که همه‌ی عوامل و عناصر قدرت باید در داخل تقویت بشود؛ قدرت دفاعی، قدرت بحث منطقه‌ای و مانند این‌ها». (بیانات مقام معظم رهبری (مدظله‌العالی)) در دیدار نخبگان جوان علمی (۱۳۹۶/۰۷/۲۶) «راه همانی [است] که عرض کردیم: تکیه‌ی به استعداد درونی، تکیه‌ی به ظرفیتهای داخلی کشور، تکیه‌ی به همین جوانها، تکیه‌ی به ابتکاری که جوانها می‌زنند، کاری که دنبال میکنند، دانشی که تحصیل و تبدیل به فناوری می‌کنند». (بیانات معظم له ۱۳۹۵/۰۵/۱۱).

۵-۸- کارایی و اثربخشی نهادها و ساختارهای حکومت اسلامی:

از آنجایی که هر نظام سیاسی و اجتماعی جهت پیشبرد اهداف و آرمان‌های خود باید نهادهای منطبق با اعتقادات خود را ایجاد کند، امام خمینی (ره) نیز از همان ابتدای پیروزی انقلاب بارأی و نظر مردم نهادهایی چون مجلس خبرگان رهبری، شورای نگهبان و مجمع تشخیص مصلحت نظام را که برخاسته از آموزه‌های دینی و مقتضیات زمانی و مکانی جمهوری اسلامی بود را ایجاد کردند. مقام معظم رهبری نیز در سال‌های پس از رحلت امام (ره) که مسئولیت رهبری نظام اسلامی را به عهده داشته‌اند، همواره از نهادهای قانونی کشور حمایت کرده‌اند: «بنده از تمام نهادهای قانونی کشور به حدّ دفاع می‌کنم. آنچه که در مورد اشخاص و شخصیت‌ها و نهادها برای من مهم است، دفاع از جایگاه و مسئولیت آنها و کمک به حُسن انجام کارشان است» (بیانات ۱۳۷۹/۰۴/۱۹). مهم‌ترین نهادها و ساختارهای دولت اسلامی را به شرح ذیل در دیدگاه امام خامنه‌ای (مدظله‌العالی) می‌توان بیان کرد:

یک. ولایت‌فقیه و نهادهای وابسته: در اندیشه مقام معظم رهبری (مدظله‌العالی)، رهبر جامعه اسلامی در بالاترین جایگاه مسئولیتی بوده و وظیفه خطیری را بر عهده دارد. رهبری جامعه اسلامی در زمان غیبت امام معصوم بر عهده ولی‌فقیه گذاشته شده که در جمهوری اسلامی نمود عینی و قانونی یافته است. به باور ایشان، ولایت‌فقیه جایگاه مهندسی و حفظ جهت نظام اسلامی را دارد و باید از انحراف آن به چپ و راست جلوگیری کند. از این‌رو، ولایت‌فقیه از طرفی یک امر نمادین و تشریفاتی محض و احياناً نصیحت کننده نیست و از طرفی نقش حاکمیت اجرایی در ارکان حکومت ندارد. زیرا کشور مسئولان اجرایی، قضایی و تقنینی دارد که همه باید پاسخگوی مسئولیت‌های خود باشند. نقش ولایت‌فقیه این است که از حرکت کلی نظام به سمت هدف‌های آرمانی و عالی‌اش، پاسداری و دیده‌بانی کند (بیانات مقام معظم رهبری (مدظله‌العالی)). (۱۳۸۳/۰۳/۱۴).

دو. قوه مجریه و نهادهای مرتبط: قوه مجریه که در عرف سیاسی ایران معمولاً دولت نیز خوانده می‌شود جایگاه مهمی در ساختار سیاسی جمهوری اسلامی ایران دارد. درواقع یکی از ارکان اصلی در تشکیل دولت اسلامی، قوه مجریه است: «در نظام جمهوری اسلامی، ریاست جمهوری شأن مهمی است. بازوی اجرایی نظام، دولت و رئیس‌جمهور است» (مصاحبه ۱۳۸۰/۰۳/۱۸). ایشان خاطرنشان می‌کنند که نباید دولت -قوه مجریه- جدای از نظام دیده شود بلکه دولت را فعال اصلی در صحنه کشور معرفی می‌کنند که هرگونه موفقیت آن، موفقیت نظام اسلامی است (بیانات مقام معظم رهبری (مدظله‌العالی)) (۱۳۸۱/۰۵/۲۷). به عبارتی، هر کاری دولت انجام دهد چه خوب و یا بد، متعلق به نظام است (بیانات مقام معظم رهبری (مدظله‌العالی)) (۱۳۸۳/۰۶/۰۴). ایشان دستگاه اجرایی اسلامی را یکی از اهرم‌های استقرار عدالت بیان می‌کنند. و عقیده دارند که قوه اجرائی با اعمال نفوذ و قدرتی که داراست باید مظهر حاکمیت اسلامی باشد به این معنا که در محدوده

قوانین و اصول اسلامی در جامعه حضور دائمی داشته باشد و مانع بغی و طغیان و تعدی شود (بیانات مقام معظم رهبری (مدظله العالی)) ۱۱ / ۱۳۶۶).

امام خامنه‌ای (مدظله العالی)، در حفظ شأن ریاست جمهوری پارها تذکر داده‌اند که همه باید این را یک اصل بدانند که رئیس‌جمهور باید موردتکریم قرار بگیرد (بیانات ۱۸ / ۰۷ / ۱۳۸۵). همچنین از آنجایی که این شخص بارأی مردم انتخاب می‌شود و رئیس‌جمهور قانونی کشور است همیشه مورداحترام و حمایت جامع رهبری در همه دولت‌ها بوده است. (بیانات مقام معظم رهبری (مدظله العالی)) ۱۱ / ۰۲ / ۱۳۸۴ و کمک به دولت را یک وظیفه همگانی بیان می‌کنند و این امر را برگرفته از سیره امام در طول نزدیک به یازده سال امامت پُربرت و رهبری استثنایی ایشان دانسته (بیانات ۱۴ / ۰۹ / ۱۳۶۹) و هرگونه تضعیف نسبت به مسئولان نظام، به‌ویژه دولت را خیانت می‌دانند (بیانات مقام معظم رهبری (مدظله العالی)) ۰۷ / ۰۵ / ۱۳۶۹).

سه. قوه مقننه: قوه مقننه یا همان مجلس شورای اسلامی به‌عنوان یکی از قوای مهم در کشور است که با قانون‌گذاری و نظارت بر اجرای صحیح قانون می‌تواند نقش ویژه‌ای در دولت اسلامی داشته باشد. مجلسی که به‌وقت، به‌هنگام و درست قانون بگذارد و در مسائل کشور نظارت کند از مطالبات مقام معظم رهبری است (بیانات مقام معظم رهبری (مدظله العالی)) ۲۴ / ۰۳ / ۱۳۹۱. ایشان پارها بر جایگاه ویژه قوه مقننه تأکید کرده‌اند و آن را یک رکن اساسی در کشور می‌دانند. درواقع قوه مقننه را تبلور و انعکاس همه برجستگی‌ها و شاخص‌های نظام اسلامی معرفی کرده (بیانات ۰۷ / ۰۳ / ۱۳۹۱) و از آن به خانه ملت و تجلیگاه عزت ملی تعبیر کرده‌اند که می‌تواند تأمین‌کننده‌ی منافع عمومی و نشان‌دهنده عزت اسلامی و عزت ملی ما در دنیا باشد و از آنجاکه مسئولان با قوانین تصویب‌شده در مجلس می‌توانند حرکت کنند و پیش بروند جایگاه بسیار مهم آن روشن‌تر می‌شود (بیانات مقام معظم رهبری (مدظله العالی)) ۲۵ / ۰۹ / ۱۳۸۲. ایشان خاطرنشان می‌کنند که مجلس باید در تراز انقلاب باشد به این معنا که در همه حال منادی شعارهای اصولی انقلاب باشد و همچنین از راه و خطی که امام خمینی (ره) ترسیم کردند، پاسداری کند (پیام ۰۷ / ۰۳ / ۱۳۷۱). همچنین «ایمان، شجاعت، پیشگامی، ایستادگی بر مبنای نظام، ایستادگی در برابر دشمنان، روزآمدی و نوآوری، وحدت و انسجام ملی، کار و تلاش فداکارانه، به میدان آوردن همه ظرفیت‌های فردی و جمعی» (بیانات مقام معظم رهبری (مدظله العالی)) ۰۷ / ۰۳ / ۱۳۹۱ را نشانه‌های یک مجلس موفق بیان می‌کنند.

چهار. قوه قضائیه: به اعتقاد امام خامنه‌ای (مدظله العالی)، «تمامیت نظام جز به تمامیت و کمال قوه قضائیه تحقق پیدا نخواهد کرد» (بیانات مقام معظم رهبری (مدظله العالی)) ۰۵ / ۰۴ / ۱۳۸۱. از نظر مقام معظم رهبری سازوکار قوه قضائیه در مقام یک رکن اساسی کشور در قانون اساسی پیش‌بینی شده که از جهات مختلف نیز متقن و اطمینان‌بخش است. به‌عنوان نمونه تعیین وظایف و تکالیف محول شده به این قوه در قانون اساسی تضمین‌کننده این معناست که دستگاه قضا بتواند به وظیفه خود عمل کند که یک جهاد فی سبیل الله است (بیانات مقام معظم رهبری (مدظله العالی)) ۰۷ / ۰۴ / ۱۳۸۰. ایشان اجرای حدود الهی و استقرار عدالت را مهم‌ترین وظایف قوه قضائیه (بیانات مقام معظم رهبری (مدظله العالی)) ۲۳ / ۱۰ / ۱۳۷۱) و برای تحقق این اهداف متعالی، نظام قضایی اسلام را کارآمدترین وسیله بیان می‌کنند (بیانات مقام معظم رهبری (مدظله العالی)) در انتصاب ریاست قوه قضائیه ۲۳ / ۰۵ / ۱۳۷۸. دستگاه قضائی اسلام را یکی از کارآمدترین دستگاه‌ها نام می‌برند که برای مواد قضائی یا قوانین لازم خود، خودکفاست. به این معنا که نیازی ندارد برای چنین اموری از دیگر نظام‌ها یا کشور و تمدن دیگری وام بگیرد و قوانین آن‌ها را شبیه‌سازی کند زیرا در اسلام همه‌چیز پیش‌بینی شده است و تأکید می‌کنند قوانین باید طبق مقررات اسلامی تنظیم و آماده شود و با جرم به هر شکلی مقابله گردد (بیانات ۰۷ / ۰۴ / ۱۳۷۹). ایشان شأن قوه قضائیه را این می‌دانند که اگر به کسی در هر گوشه از کشور اسلامی ظلم شد، امیدوار باشد که با مراجعه به دستگاه قضائی احقاق حق می‌شود (بیانات مقام معظم رهبری (مدظله العالی)) ۰۷ / ۰۴ / ۱۳۷۹. مقام معظم رهبری تأکید می‌کنند که مسئولان قضایی باید شأن قضا و قضاوت را در نظام اسلامی در نظر بگیرند و کار خود را با آن بسنجند (بیانات ۰۷ / ۰۴ / ۱۳۷۴).

جدول ۲ مؤلفه‌های حکمرانی متعالی از منظر حضرت امام خامنه‌ای (مدظله العالی)

ردیف	مؤلفه	شاخص	ردیف	مؤلفه	شاخص
۱	سلامت اعتقادی، اخلاقی و عملکردی مسئولان	الگوبرداری مسئولین از سیره و منش امام راحل (ره) (باور به خدا، باور به خود و باور به مردم)	۵	مردم سالاری دینی	حضور نقش آفرینی مردم در اداره امور جامعه مبتنی بر مبانی دینی، اعتقادی و ایمانی
۲	حکومت مبتنی بر ولایت	ارتباط نزدیک، صمیمانه، محبت آمیز رهبر و مردم	۶	تعالی معنوی در کنار رفاه مادی	پیشرفت همزمان در امور مادی و معنوی
۳	عدالت محوری	الگوبرداری از سیره علی بن ابی طالب (ع) در استقرار عدل	۷	اقتدار درونزا	اقتدار علمی اقتدار دفاعی اقتدار اقتصادی
۴	حاکمیت اسلام	حاکمیت اسلامی در هر دو بعد (بعد نظام و بعد فردی)	۸	کارایی و اثربخشی نهاد ها و ساختارهای حکومت اسلامی	ولایت فقیه (مهندسی و حفظ جهت نظام اسلامی) قوه مجریه (اهرم استقرار عدالت) قوه مقننه (قانون گذاری و نظارت بر اجرای صحیح قانون) قوه قضاییه (اجرای قوانین الهی و استقرار عدالت)

۶- جمع بندی

همان طور که اسلام برای تمام زندگی بشر برنامه دارد برای نوع حکومت نیز برنامه دارد. با توجه به نقش دین، ایدئولوژی و سنت ها در شکل دهی به بینش عمومی و انگیزه ها و رفتارهای اجتماعی و اقتصادی مردم و دولت ها، اجرای دستورالعمل های نظریه حکمرانی خوب نمی تواند بدون توجه به آموزه ها و سنت ها و نهادهای اسلامی به نتیجه برسد. با عنایت به لزوم حاکمیت ارزشهای الهی در کشورهای اسلامی، لازم است شیوه خاص حکمرانی الهی نیز در آنها اجرا شود تا به موفقیت منحصر به فرد خود، که همان تعالی انسانی است، دست یابند. حکمرانی متعالی ایرانی- اسلامی شیوه آرمانی اداره، و سرپرستی و اعمال ولایت الهی توسط دولت اسلامی در جامعه اسلامی ایران است. با نگاهی به سخنان و سیره عملکرد دو اندیشمند و رهبر بزرگ انقلاب اسلامی ایران می توان به الگویی برای حکمرانی متعالی رسید که با فرهنگ جامعه اسلامی ایران تطابق داشته و سبب پیشرفت و توسعه همه جانبه کشور گردد. امام خمینی (ره) و مقام معظم رهبری (مدظله العالی) هر دو تأکید دارند که الگوی مناسب حکمرانی متعالی می بایست بر اساس تعالیم حیات بخش قرآن کریم و سیره رسول اکرم (ص) و اهل بیت (ع) باشد. هر دو بزرگوار برای سه رکن اصلی حکمرانی یعنی مردم، کارگزاران نظام و ساختارها و نهاد های حکومتی، مؤلفه ها، خصوصیات و ویژگی هایی در نظر می گیرند که تحقق آنها سبب هدایت جامعه به سمت تعالی مادی و معنوی می شود. از منظر امامین انقلاب، مردم نقش اصلی در شکل گیری و هدایت حکومت اسلامی در مسیر تعالی و پیشرفت را ایفا می کنند نقش و وظیفه مردم به عنوان ولی نعمتان انقلاب در ساختار حکمرانی متعالی شامل موارد زیر می شود: مشروعیت بخشی به ولی فقیه به عنوان حاکم جامعه اسلامی. (امام خمینی (ره) ولایت را از آن فقیه می داند که یا با ابراز نظر عمومی مردم پذیرش وی محرز شده باشد و یا از طریق مجلسی متشکل از فقهای منتخب مردم، در جایگاه ولی امر و رهبر سیاسی کشور انتخاب گردد. رهبر معظم انقلاب اسلامی حضرت امام خامنه ای (مدظله العالی) نیز ضمن

تأکید بر نظر امام راحل(ره) تأکید می‌دارند ارتباطی عاطفی و مستحکم می‌بایست بین ولی فقیه و مردم برقرار باشد تا ولی فقیه بتواند جامعه اسلامی را به سمت سعادت هدایت کند. نقش بعدی مردم مشارکت آنان در سیاست و اداره امور عمومی کشور است که از طریق مشارکت در انتخابات و اجرای فریضه امر به معروف و نهی از منکر در جامعه اسلامی، تحقق می‌یابد، عمل به این وظایف از انحراف انقلاب از مسیر آرمانی و هدف متعالی آن جلوگیری می‌کند. از منظر امام راحل(ره) و مقام معظم رهبری(مدظله‌العالی)، رکن کارگزاران حکومت یا همان مسئولین و سیاست‌گذاران، نقش کلیدی در پیشبرد اهداف متعالی جامعه اسلامی ایفاء می‌نمایند و اساساً بدون توجه به رکن کارگزاران نمی‌توان تحقق دولت اسلامی را متصور شد. این دو رهبر و نظریه‌پرداز انقلاب اسلامی، سبک زندگی پیامبر (ص) و علی بن ابی‌طالب (ع) را بهترین الگو در ابعاد مختلف اعتقادی، اخلاقی و رفتاری برای مسئولین جامعه اسلامی معرفی می‌کنند. به اعتقاد آیت‌الله خامنه‌ای (مد ظله العالی)، کارگزاران در دولت اسلامی باید باور، اخلاق و رفتار خود را منطبق با شریعت اسلام و منبعث از الگوی آرمانی دولت علوی (ع) کنند سلامت کارگزاران در سه بعد سلامت اعتقادی، سلامت اخلاقی و سلامت رفتاری باید مد نظر قرار گیرد. سلامت اعتقادی، سلامت اخلاقی، سلامت رفتاری از اعتقاد درست و نگاه درست به حقایق جامعه ناشی می‌شود. همچنین با نگاهی به سیره حکمرانی امام راحل(ره) در می‌یابیم سه باور درست در تصمیم و همه حرکت های امام وجود داشت همین سه باور به ایشان قاطعیت، شجاعت و استقامت می‌داد: که می‌بایست در مسئولین ما نیز وجود داشته باشد این سه باور، شامل باور به خدا، باور به مردم، و باور به خود بود. همچنین مقام معظم رهبری الگوی رفتاری کارگزاران دولت اسلامی را رفتار علوی (ع) می‌دانند و بیان می‌دارند تا زمانی که مسئولین از این الگو پیروی کنند هیچ‌گونه آسیب و خطری نظام را تهدید نخواهد کرد. رکن سوم حکمرانی متعالی، نهاد و ساختارها؛ ولایت فقیه، قوه مجریه، قوه مقننه و قوه قضائیه از جمله نهادها و ساختارهای اصلی می‌باشند. در اندیشه آیت‌الله خامنه‌ای، رهبر جامعه اسلامی در بالاترین جایگاه مسئولیتی بوده و وظیفه خطیری را بر عهده دارد به باور ایشان، ولایت فقیه جایگاه مهندسی و حفظ جهت نظام اسلامی را دارد، ولایت فقیه از حرکت کلی نظام به سمت هدف‌های آرمانی و عالی‌اش، پاسداری و دیده‌بانی کند. یکی دیگر از ارکان اصلی در تشکیل دولت اسلامی، قوه مجریه است. مقام معظم رهبری(مدظله‌العالی) دستگاه اجرایی اسلامی را یکی از اهرم‌های استقرار عدالت بیان می‌کنند که با اعمال نفوذ و قدرتی که داراست باید مظهر حاکمیت اسلامی باشد ایشان ضمن لزوم تکریم جایگاه ریاست جمهوری به عنوان نماینده آرای مردم، کمک به دولت را یک وظیفه همگانی بیان می‌کنند و این امر را برگرفته از سیره امام در طول نزدیک به یازده سال امامت پُربرکت و رهبری استثنایی ایشان دانسته و هرگونه تضعیف نسبت به مسئولان نظام، به‌ویژه دولت را خیانت می‌دانند. قوه مقننه یا همان مجلس شورای اسلامی به عنوان یکی دیگر از قوای مهم در کشور است که با قانون‌گذاری و نظارت بر اجرای صحیح قانون می‌تواند نقش ویژه‌ای در دولت اسلامی داشته باشد. مقام معظم رهبری(مدظله‌العالی) ایمان، شجاعت، پیشگامی، ایستادگی بر مبانی نظام، ایستادگی در برابر دشمنان، روزآمدی و نوآوری، وحدت و انسجام ملی، کار و تلاش فداکارانه، به میدان آوردن همه ظرفیت‌های فردی و جمعی را نشانه‌های یک مجلس موفق بیان می‌کنند. چهارمین رکن نهادها و ساختار حکمرانی متعالی اسلامی قوه قضائیه است به اعتقاد مقام معظم رهبری(مدظله‌العالی) «تمامیت نظام جز به تمامیت و کمال قوه قضائیه تحقق پیدا نخواهد کرد». بر اساس دیدگاه امامین انقلاب اسلامی، تحقق حکمرانی متعالی در مسیر تمدن اسلامی، حرکتی تدریجی و عملی است. و در صورت توجه به همه ابعاد و مؤلفه‌های حکمرانی متعالی و تلاش در تحقق آن‌ها، حکومت اسلامی که نقش مهم و اساسی در تمدن سازی دارد شکل خواهد گرفت.

۷- مراجع

[۱] اخوان، پیمان؛ خادم الحسینی، سید پیمان (۱۳۹۲). تبیین مدیریت دانش از دیدگاه اسلام. دو فصلنامه علمی پژوهشی مدیرت

اسلامی. س ۲۱. ش ۲: ۹۹ تا ۱۲۶

[۲] الوانی، سید مهدی (۱۳۸۶)، تحلیلی بر کیفیت حکمرانی خوب در ایران، مطالعات مدیریت ۱۳۸۶ شماره ۵۳

[۳] امینی، علی اکبر (۱۳۸۷). چگونه واژگان بازیچه دست سیاست می‌شوند. مجله علوم سیاسی و روابط بین‌الملل، ش ۲۵۵ و ۲۵۶.

[۴] ایزدی فرد، علی اکبر؛ کویار، حسین (۱۳۸۹). مسئولیت پذیری کارگزاران و مدیران از دیدگاه امام علی (ع) با تأکید بر عواملی

اخلاق حرفه ای. پژوهشنامه علوی. س اول. ش ۲: ۱-۲۰.

- [۵] ایزدی فرد، علی اکبر؛ کلویار، حسین (۱۳۸۹). مسئولیت پذیری کارگزاران و مدیران از دیدگاه امام علی (ع) با تأکید بر عوامل اخلاق حرفه‌ای. پژوهشنامه علوی. س اول. ش ۲: ۱-۲۰.
- [۶] ایزهی، سیدسجاد (۱۳۷۸)، نظارت بر قدرت در فقه سیاسی، قم، پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی، ۱۳۸۷.
- [۷] آشوری، محمد، حقوق بشر و مفاهیم مساوات، انصاف و عدالت، تهران، انتشارات دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران، ۱۳۸۳.
- [۸] بردبار، غلامرضا، ضرابی زاده، شیماء، صالحی، طاهر (۱۳۹۴)، ارائه الگوی حکمرانی خدا مدار، فصلنامه علمی - پژوهشی مدیریت اسلامی، سال ۲۳، شماره ۲، تابستان ۱۳۹۴: ۴۱-۹
- [۹] بمانیان، محمدرضا (۱۳۸۶). بررسی نقش خدامحوری در معماری مسلمانان. نشریه بین‌المللی علوم مهندسی. دانشگاه علم و صنعت ایران. ش ۵. ج ۴۴: ۱۸.
- [۱۰] پور طهماسبی، سیاوش؛ تاجور، آذر (۱۳۸۹). ویژگی‌ها و وظایف کارگزاران در نهج‌البلاغه. پژوهشنامه علوی. س اول. ش ۲: ۲۱ تا ۴۲.
- [۱۱] پولادرگ، عبدالمجید (۱۳۸۸)، شناسایی و اولویت بندی شاخص های حکمرانی خوب با استفاده از تکنیک تحلیل سلسله مراتبی (AHP)، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه شاهد
- [۱۲] توانایی، محمد حسین (۱۳۹۱)، ارائه الگوی خوب شهری بر مبنای سیره و روش رسول اکرم (ص) و امام علی (ع)، مجموعه مقالات همایش حکمرانی خوب شهری، تهران.
- [۱۳] ثواب، جهانبخش (۱۳۹۱). مبانی و شاخصه‌های حکومت علوی. پژوهشنامه علوی. س سوم. ش دوم: ۱ تا ۲۵.
- [۱۴] جاسبی، جواد؛ نفری، ندا (۱۳۸۸). (طراحی الگوی حکمرانی خوب بر پایه نظریه سیستم‌های باز. فصلنامه علوم مدیریت ایران. ش ۱۶
- [۱۵] جواد آملی، عبدالله (۱۳۸۷). (جامعه در قرآن. قم: مرکز نشر اسراء
- [۱۶] حسین زاده بحرینی، محمدحسین (۱۳۸۳)، بررسی تطبیق نظریه حکمرانی خوب با آموزه‌ها و سیره حکومت امام علی (ع)، دفتر بررسی‌های اقتصادی، ص ۱۶.
- [۱۷] حسینی فرد، مجتبی (۱۳۹۱)، بررسی تطبیقی نظام حکمرانی کوروش کبیر با اصول حکمرانی خوب، بهار ۱۳۹۱ - شماره ۷ (۱۴) صفحه - از ۱۱۹ تا ۱۳۲)
- [۱۸] خامنه ای، سید علی. (۱۳۹۴). ولایت و حکومت؛ مباحثی در باب مفهوم ولایت، حکومت الهی و حاکم اسلامی. (گردآوری بیانات آیت الله خامنه ای (مدظله العالی). تهیه و تنظیم: کمیته فرهنگی مرکز صهبا. تهران: موسسه ایمان جهادی، قابل دسترسی در: www.khamenei.ir
- [۱۹] خمینی، روح الله (۱۳۶۸)، صحیفه امام خمینی؛ تهران، مؤسسه جهانی تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره)، سال چاپ ۱۳۹۰ جلد ۱۱ ص ۴۹
- [۲۰] خمینی، روح الله (۱۳۶۸)، صحیفه امام خمینی؛ تهران، مؤسسه جهانی تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره)، سال چاپ ۱۳۹۰ جلد ۱۳ ص ۱۹۳
- [۲۱] خمینی، روح الله (۱۳۶۸)، صحیفه انقلاب اسلامی؛ گلچینی از افکار و اندیشه های امام خمینی، تهران، مؤسسه جهانی تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره)، سال چاپ ۱۳۷۸ ص ۵۰۰
- [۲۲] خمینی، روح الله (۱۳۶۸)، گزیده ای از سخنان امام خمینی، ص ۴۲، چاپ وزارت ارشاد اسلامی.
- [۲۳] شیرازی، مکارم (۱۳۷۳). تفسیر قرآن کریم، قم، دار القرآن کریم.
- [۲۴] طاهری عطار، غزاله؛ سعدآبادی، علی اصغر؛ پورعزت، علی اصغر (۱۳۹۲). ملت‌سازی در اندیشه و اخلاق حکمرانی امام خمینی (ره). دو فصلنامه علمی پژوهشی مدیریت اسلامی. س ۲۱. ش ۱: ۱۹۳ تا ۲۱۸.
- [۲۵] طباطبایی، محمد حسین (۱۴۱۷). ولایت و زعامت در اسلام. ج ۲
- [۲۶] فراهانی، عاطفه (۱۳۸۶). مطالعات قومی: مفاهیم و نظریه‌ها. پژوهشنامه، ش ۸.

- [۲۷] فرمانفرمایی، تکتتم (۱۳۹۱)، جایگاه اخلاق در حکمروایی خوب شهری، مجموعه مقالات همایش حکمرانی خوب شهری، تهران
- [۲۸] قران کریم. ترجمه ناصر مکارم شیرازی (۱۳۷۳). قم: دارالقرآن الکریم.
- [۲۹] لک زایی، شریف (۱۳۹۲)، بررسی تطبیقی نظریه های ولایت فقیه، پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی، ص ۱۴۲
- [۳۰] مبارک، اصغر؛ آذر پیوند، زیبا (۱۳۸۸). نگاهی به شاخص های حکمرانی خوب از منظر اسلام و تأثیر آن بر رشد اقتصادی. فصلنامه علمی پژوهشی اقتصاد اسلامی. س نهم. س ۳۰.
- [۳۱] مبارک، اصغر؛ آذر پیوند، زیبا (۱۳۸۸). نگاهی به شاخص های حکمرانی خوب از منظر اسلام و تأثیر آن بر رشد اقتصادی. فصلنامه علمی - پژوهشی اقتصاد اسلامی. س نهم. س ۳
- [۳۲] مجموعه سخنرانی ها و بیانات مقام معظم رهبری موجود در: khamenei.ir
- [۳۳] محمدی مزرعی، خدیجه/نادری، مهدی (۱۳۹۷)، رهیافت انقلاب اسلامی بهار ۱۳۹۷ - شماره ۴۲
- [۳۴] محمدیان، محمدتقی (۱۳۹۱)، اصول و حیانی حکمروایی خوب، مجموعه مقالات همایش علمی حکمروایی خوب شهری، جلد دوم، شهرداری تهران، تهران: انتشارات تیس، صص ۴۷ - ۲۰.
- [۳۵] مراغی، احمد ابن مصطفی. (1985) تفسیر المراغی ج. 2. بیروت: دار احیا التراث العربی.
- [۳۶] مقدسی، علیرضا (۱۳۸۹). کاربرد حکمرانی شایسته در فساد ستیزی. نشریه سیاسی - اقتصادی. ش ۲۸۱-۲۸۲.
- [۳۷] ملص، شیخ مصطفی (۱۳۹۷)، امام خمینی (ره) و نظام های سیاسی معاصر در اندیشه و عمل، مؤسسه جهانی تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره)، تهران، ۱۳۹۷
- [۳۸] موسوی خمینی، روح... (۱۲۷۹-۱۳۶۸)، گفتار خورشید؛ ولایت و حکومت در کلام حضرت امام خمینی؛ انتشارات معاونت فرهنگی سازمان تبلیغات اسلامی، چاپ اول، ص ۴۵ - ۴۶.
- [۳۹] میدری، احمد و جعفر خیرخواهان (۱۳۸۳)، حکمروایی خوب؛ بنیان توسعه، انتشارات مرکز پژوهش های مجلس شورای اسلامی.
- [۴۰] نادری، محمد مهدی (۱۳۹۰). حکمرانی خوب؛ معرفی و نقدی اجمالی. س اول. ش اول: ۶۹ تا ۹۳.
- [۴۱] ناظم بکایی، محسن (۱۳۸۲). فقر از دیدگاه علی (ع). همایش رفتارشناسی علوی در گستره مدیریت. تهران: دانشگاه شاهد.
- [۴۲] ناظمی اردکانی، محمد (۱۳۸۸)، حکمرانی خوب با رویکرد اسلامی، نشریه انسانی دانشگاه امام حسین (ع)، شماره ۷۶ شهریور.
- [۴۳] نصر اصفهانی، مهدی؛ نصر اصفهانی، علی (۱۳۸۹). شایسته سالاری در مدیریت جامعه با تأکید بر اندیشه های سیاسی امام علی (ع). معرفت سیاسی. س دوم. ش دوم: ۱۴۱ تا ۱۶۰.
- [۴۴] نهج البلاغه (۱۳۸۰) ترجمه محمد دشتی. قم: انتشارات مشهور.
- [۴۵] وائقی، قاسم (۱۳۸۰). اخلاق در مدیریت. تهران: سازمان تبلیغات اسلامی.
- [۴۶] وصیت نامه سیاسی - الهی امام خمینی (ره)؛ ص ۲۶. از انتشارات دفتر نمایندگان امام خمینی در مسائل شرعی و امور حسبه.